ادبیات کلاسیک آذربایجان ۶





# ادیب احمد

# عتبه الحقایق



ترجمه: حسین شرقی
(سوی تورک )

به کوشش:

م. کریمی

# عتبـــة الحقـايـق

(ادیب احمد)

(آذربایجان تورکجه‌سی)

ترجمه:حسین شرقی (سوی تورک)

تهران ۱۳۷۷ ـ جی گونش ایلی (قیش)

عتبة‌الحقایق
(ادیب احمد)

مقدمه ● م. کریمی

ترجمه و اویغولایان: ● حسین شرقی (سوی تورک)

باسیم سایی‌یی: ● ۵۰۰۰

ناشر: ● آذر سبلان

دوزن: ● یورد بیلگی سایار مرکزی

لیتوگرافی: ●

باسیم ائوی: ● آذر سبلان

باسیم ایلی: ● ۱۳۷۸

مجوز ● نمره ۲۰۸۵۱ تاریخ ۷۷/۱۲/۱۷

# کیتابین ایچینده کیلر


۱ - مقدمه م. کریمی ........................................ ۵

۲- دیلماجین اۇل سؤزو ........................................ ۱۲

۳- متن عتبه الحقایق (عرب الیفباسیله ) ........................................ ۱۹

۴- متن عتبه الحایق (لاتین الیفباسیله) ........................................ ٦۸

۵- چتویرمه بؤلومو( آذربایجان تورکجه سی) ........................................ ۹۰

٦- عتبه الحقایق نسخه سی اویغور الیفباسیله ........................................ ۱۱۷

۷- عتبه الحقایق نسخه سی اویغور و عرب الیفباسیله ........................................ ۱۱۹

## عتبه الحقایق و ادیب احمد

ادیب احمد یکی از نخستین شاعران ترک زبان در قرن ششم هجری است این ادیب بزرگوار ۸۰۰ سال پیش از این در ساحهٔ ادبیات تلاشی پربار داشته و در پیوند ادبیات ترکی با فرهنگ و مدنیت اسلام گامهای استواری برداشته و توانسته است زبان ترکی را در همگامی با زبانهای عربی و فارسی در گسترش معنویت دنیای اسلامی اثار ارزشمندی تقدیم عالم بشریت نماید. ادیب احمد با تلفیق فرهنگ و زبان ترکی با معنویت اسلامی ادبیات غنی و پر باری را ارائه داده است.

احمد در روستای یوقناق از توابع تاشکند به دنیا آمد. پدرش محمود یوقناقی از صاحب منصبان دربار قراخانیان وشخصی عالم و محترم به شمار می‌آمد.

احمد به خاطر این‌که دانشمند بزرگ دوران بوده و در واقع به عنوان ادیب الادبا شناخته می‌شد با نام «ادیب احمد» معروف گشته است . او به دربار قراخانیان راه یافته و اشعاری نغز و پر از عرفان سروده است در اشعار او مناجات، مناقب و مدایحی نوشته شده است و در این اشعار شاعر بزرگوار از احادیث نبوی، آیات قرانی و احکام اسلامی بهره گرفته است .آنچه نام «ادیب احمد» را در تاریخ ادبیات کلاسیک جاودان ساخته است،کتاب ارزشمند وگرانسنگ «عتابه الحقایق» است .

با آوردن نمونه هایی از شعر ادیب احمد به بحث خود ادامه می‌دهیم :

سونگه گله یبلیک تک ارنگه بیلیگ

اره ن گوزگو عقل اول سونگه لینینگ بیلیگ

بیلیگ سیز، بیلیگ سیز سونگه‌ک تک کال

بیلیک سیز سونگه کله سونولماز بیلیگ

ترجمه : علم برای انسان همچون مغز استخوان برای استخوان است و زیبایی استخوان در مغز اوست.

آدم بی علم چون استخوان بی مغز است و استخوان بی مغز به دردی نمی‌خورد.

در اشعار ادیب احمد نصیحت، پند و اندرز جای مهمی را به جای اختصاص

اوقـوب سؤزله، سـؤزونوائـوه سؤزه له

سـؤزوه گـیزله قـانین بـاشینگ گـیزلمه

مینگ اردوستون ارسه اوقوش گؤرمه گـیل

بـسیرار دوشــمان ارسـه آنـی آزلامـا

ترجمه: ابتدا اندیشه کن آنگاه سخن گوی، تعجیل مکن اگر سرّت از دست دادی سرت را از کف منه

هزار دوست داشته باشی زیاد مبین اگر دشمنت یکی بود کم مبین

گؤته زگیل تیلینی، قـیل آزقـیل سـؤزونگ

گـؤته زگیل بـوتیل گـؤته زگـیل اؤزونگ

رســـول اونـــی اوتــقایوزین آتــقوجی

تیل اوتیدی تیغ تـیل یـول اوتـین اؤزونگ

ترجمه: مواظب زبان خود باش وکمتر سخن گوی زبان را نگه دار که خودت را نگه داری

زبان است که انسان را به آتش می‌اندازد رسول گفت: زبان خود را نگه دار تـا خودت را نجات دهی

عتابة الحقایق در وزن عروض و در بحر فعولون فعولون فعول نوشته شده است. این کتاب دارای ۲۵۶ بیت می‌باشد که شامل مناجات نعت رسـول، مـدح چهار خلیفه و آنگاه اندرزهای حکیمانه است. این کتاب پر از اندرز و نـصحیت است وکتابی اخلاقی به شمار می‌آید.

ایکی نینگ بیریک بیر ارده قالی
بؤکندی اول ارگه مرّوت یولی

بیر اول یانقیشار ارسه گره کسیز سؤزون
ایگینجی یالقان ارسه اول اونینگ تیلی

ترجمه

دو چیز چنانچه در انسان یکی باشد راه مروت بر او بسته می‌شود
یکی درد سر دادن با سخنان یاوه و دیگری سخن دروغ گفتن

لازم به قید است که ادیب احمد کتاب عتبة الحقایق را به «سپهسالار محمّد» حاکم سمرقند تقدیم کرده است و در مدح او نیز شعر گفته است و این کتاب ارزشمند یکی از چهار کتاب مهم ادبیات ترکی میانه به شمار می‌آید. این چهار کتاب عبارتند از:

۱- دیوان لغات الترک از محمود کاشغری

۲- قوتاقود بیلیک از یوسف بالاساغونلو (خاص حاجب)

۳- عتابة الحقایق از ادیب احمد

۴- دیوان حکمت از خواجه احمد یسوی

ادیب احمد ادبیات ترکی را بااحادیث و آیات قرانی تزئین کرده است. او مناجاتی دارد که خواندنی است:

الهی اقوش حمد آیور من سنگه    سنینگ رحمتینگتین اومار من اونقا
سنینگ بارلیقینا تا نوقلوق بیرور    جومات جانوار اجاق یوکورگن لنگه

ترجمه: خدایا سپاس تو گویم که هرگونه شفا را از تو، از رحمت تو انتظار دارم

جاندار و بی جان پرنده و درنده تمامی مخلوقات به وجودت باور دارند.

در اشعار ادیب پیامهای اسلامی در ترنم است خصوصیات شاعر در شعرش مترنم است و این خصوصیات عبارت است از اخلاق اسلامی، رفتار کریمانه و مردانه، پاکی و صداقت ،درستی و امانت ، او در قصاید، رباعیات ،دو بیتی هایش از احکام اسلامی الهام گرفته و با روح بزرگوار خود تلفیق داده است .

او مردی دنیا دیده است سرد وگرم روزگار را چشیده و تجربیات خود را در لباس شعر به آیندگان تقدیم کرده است .

شعر او حاصل تجربیات اوست:

بوآچون مزه سی قاتلیق مزه عزاسی اؤقوشره‌ک مزه سی آزه
عسل قایدا ارسه بیله آریسی آری زهری تاتار عسلدن اوزه

ترجمه: لذت این جهان در لذت آمیختگی آن است، جفای آن بیشتر از صفای آن است هر جا که عسل باشد زنبور هم همانجاست، زهر زنبور را پیش از عسل می‌چشی .

تا امروز شش نسخه خطی از کتاب عتابة الحقایق به عالن ادب شناسانده شده است نخستین نسخه را «نجیب عاصم» در سال ۱۹۱۸ م منتشر ساخت که در کتابخانهٔ ایاصوفیه نگهداری می‌شود.

آخرین نسخه را «رشید رحمتی آرات» در سال ۱۹۵۰ به هنراه ترجمه استانبولی و به همراه فهرست واژگان، شرح و مقایسهٔ شش نسخه خطی منتشر نمود. در این چاپ نسخه عتابه الحقایق با القبای اویغوری اساس گرفته شده است بعد از آن تاریخ تا امروز دهها کتاب و صدها مقاله در مورد کتاب ونویسنده آن

نوشته شده و اطلاعات جامعی ارائه شده است و توسط محققین مختلف جایگاه آن در ادبیات کلاسیک ترک زبان جهان مورد بررسی قرار گرفته است. جهت آشنایی با زبان و ادبیات ترکی میانه لازم می‌دانیم اشعاری چند برای نمونه در این جا ذکر نماییم

نئجه یدر با اردی سیغیشماز اری    اری باردی قالدی قوروغ تک یئری

نئجه دانا اردی نئجه فیلسوف    قانی بوگول آنلار مییگینده بیری

ترجمه:

جایی هست که انسانها در آن نمی‌گنجند

آن انسانها مُردند و جایشان خالی ماند

دانشمندان و فیلسوفانی بودند

امروز یک از هزار آنان نمانده است

بوآجون گؤره که گؤروملوق تاشی

ولیکن ایچینده هزار ناخوشی

تاخیب تاش بزخ کین گؤروپ سن موتقا

کؤنگول باغلاماق بیل خطادورباشی

ترجمه: ظاهر و بیرون این جهان زیباست و لیکن درون آن هزاران ناراحتی است چون نگاه میکنی زیباییش را می‌بینی اما دل بستن به این زیبایی ظاهری خطاست.

بیلیگ بیلتدی بولتو اره ل بلگولوق    بیلگی سیز تیر یکله ییتیک قورخولوق

بیلیگ لیگ ار اؤلتو آتی اؤلمه تی    بیلیگ سیز ارگن آتی اؤلوق

ترجمه: انسان چون عالم می‌شود مشهور می‌گردد - آدم بی علم در حال زنده

بودن هم زیبایی را از دست می‌دهد آن عالم چو میمیرد نامش نمی‌میرد - آدم بی علم هرچند که زنده بماند نامش می‌میرد .

این اثر در مرحله خاصی از تاریخ ادبیات ترکی خلق شده و از آثار مهم دوره قاراخانیان محسوب می‌گردد. در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ دهها کنگره و سمینار برای بررسی و تحقیق پیرامون این اثر گرانبها درگوشه وکنار جهان تشکیل شد و دهها اثر تحقیقی به رشته تحریر در آمد و بارها به چاپ رسید ونتایج گرانباری از این پژوهشها به دست آمد اما هنوز هم تاریخ دقیق نگارش آن معلوم نشده است بطوریکه برخی تألیف آنرا به قرن دوم هجری و برخی دیگر به قرن ششم هجری نسبت می‌دهند اما نسخه‌های ششگانه‌ای که الان در دست داریم نخستین آن به خط اویقوری است و نسخه دوم به خط اویقوری که در زیر آن به خط عربی در قرن ۱۴ م توسط ارسلان خوجا ترخان استنساج شده است که ما در اینجا تصاویری از هر دو نسخه را آورده‌ایم. در این کتاب با متن اصلی عتبة الحقایق به خط لاتین و سپس خط عربی آشنا خواهید شد و در نهایت برای اطلاع دقیق از معانی آن برگردان ترکی آذری امروزی را ارئه داده‌ایم این بخش اخیر را آقای حسین شرقی (سوی تورک) زخمت کشیده‌اند لازم به ذکر است آقای شرقی این اثر را برای چاپ آماده کرده و مجوز آنرا دریافت کرده بودند که ما متن لاتینی و عربی رابر آن افزودیم معتقدیم نخستین چاپ این اثر در ایران تلاش همه جانبه‌ای را در تحقیق و بررسی این اثر پدید خواهد آورد امید انکه راه را برای بهره‌گیری از فرهنگ و مدنیت ترکی در ایران اسلامی بگشاید و یکی از هزاران اثر جاودانه ترکی عنایت مشتاقان را جلب نماید.

م.کریمی



# دیلماجین اؤن سوزو

بوگون کی سیخ ایله‌تیشیم دونیاسیندا هرکس اوز معنوی ثروتینین ترپنمز قایا وداشلارینا، سیرمانیب اوزونو و اولوسونو قورومالی دیر، تاکی بو یاشام آلانیندا مدنیتلر فیرتاناسینا قاپانمایا و ارییب آرادان گوتورولمویه چوخ مللتلرین اولدوغو کیمی، بیزیم ده اسکی دن قالان مین‌لرجه، بیلیمسل، ادبی و توپلومسال قایناق و آرخالانا بیله‌جک مدنی ثروتیمیز وار. در حال بیزاونلاری آراییب اوزه‌چیخاریب و بوگونلشدیرمه‌لییک و اونلاردان فایدالانمالییق تاکی باشقالارینین زهرلی و سوءنیتلی مدنی اویره‌تیمیندن اوزاقدا قالابیلک بوگون هرهانسی اوغرامایا و یا سهوه‌یول وئره‌ریک او یارین باغیشلانماز بیرگوناه ساییلابیلر، هرکس باجاردیغی قده‌ر اوولادلارینین حاقینی یئرینه یئتیرملی‌دیر تاکی گله‌جکده یوردموزون آبادانلیغنین شاهدی اولاق.

گونش کیمی نور ساچان اسکی یازیلی قایناقلاریمیز صبر سیزلیکله بیزلردن همت و تلاش گوزله‌ییر، اونلاری اوزه چیخاریب و یولوموزدا بیر مشعل کیمی ایشیغیندان استفاده ائده‌ک دویغولو، نصیحتلی و یول‌گوستریجی بویروقلاریندان یاخشی حیات قورماق اوچون کفایت قده‌ر بیلگی آلده ائده‌ک اوزوموزو، یوره‌میزی و کوره‌میزی چئشیدلی روح، جسم و مادی خسته لیکلردن اوزاق ائده‌ک. انسان یاشاما باشلادیغی چاغدان باشقالارینین تجربه‌لرینی اویره‌نیر و زنگینلیک قازانیر و بوشلوقدان و پوزوقلوخدان قاچیر. فقیرلیغی یالنیز بیلیم و عمل ایله آرادان گوتورور و اونون یئرینه زنگینلییی گتیریر. ایندی ایسه نه یاخچی

هر کس باشقالارنین تجربه و بیلیک‌لریندن فایدالاندیغی زاماندا اوز آتاوبابالاریندان دا محروم قالماسین واونلارین مینلرجه ده‌یرلی تجربه‌لریندن استفاده ائتسین، یعنی بوگونون انسانی کئچمیش یوردداش و سویداشلارینین فیکیرو دوشونجه‌لرینین اولمه‌سینین قاباغینی آلا و اولوسونون معنوی و مدنی ثروتینی اویره‌نیب و اویرتمه‌ئی ایله قات ـ قات یوکسلده و زنگینلشدیره.

سوزگئدن یئونده آتالاریمیزدان قالان مهم بیر معنوی ـ مدنی قالیق وار. اودا کیتاب عتبة‌الحقایق دیر. بوکیتاب هدایت و یول گوسترن اویود و نصیحتلرله دولو یاشام قانونو و حیات طرزی اوچون چوخ ده‌یرلی‌دیر. آدی چکیلن کیتاب تورک دیل و ادبیات تاریخینین اونون منسوب اولدوغو خالقا بخش ائتدییی چوخ ده‌یرلی بیر هدیه‌دیر.

من بوکیتابی آراشدیرماق ایسته‌میرم چونکی او چوخ عالیملر طرفیندن دقّتله آراشدیریلیب و گئنیش شرحلر اونون باره‌سینده یازیلیب، اوزه‌لیکله تورکیه بیلگنلری بو حق ده گئنیش فعالیت و چاباگوسترمیشلر. تدقیقی و ادبی یارارلانماق اوچون «رشید رحمتی آرات» جنابلارینین ۱۹۹۲ ـ جی ایلده تحلیلی اولاراق باسدیردیغی کیتابا مراجعت ائتمک اولار.

یالنیزمن عتبة‌الحقایقی ساده و روان شکیلده کوتله اوخوجولارینا گونده‌لیک فایدالانماکیمی حاضرلایب و تقدیم ائتمک قرارینا گلدیم و منه‌بئله گلیرکی هرکس بوکیتاب دا اولان چوخ درین و معنالی جمله‌لری اوخودوقجا بهره‌سینی آپاراجاق و ضمناً تاسف ائده‌جککی نیه بوگونه قده‌ر بئله‌بیر اخلاقی و تربیوی کیتابدان بهره‌سیز قالمیشدیر.

دوغروداﻥ آلینیزده اولان کیتاب چوخ‌ده‌یرلی و در حال تعلیمی بیر اثردیر. بو اثر باشقالاری طرفیندن دونه ـ دونه آراشدیریلیب و سوزولوب و اونون بهره‌سی گوتورولوب، آنجاق بیزیم طرفدن اونابیگانه قالماق دوغرو دان شوبهه‌لی بیرماجرادیر.

بوکیتاب حقینده و اونون یازیلیشی‌باره ده چوخ فیکیروباخیشلار سویله‌نیب و هله‌کی اونون نه زامان یازیلدیغی تاریخی بیزه معلوم دئییل، آنجاق بونو بیلییریک کی او تورک یوردونون و تورک دوشونجه‌سینین محصولودور. سوزوگئدن اثر زامانیندان بری، اخلاقی، تربیوی و دینی بیر اثر اولموش ۱۴ باب دان عبارت دیر و اونون اصیل یازاری "ادیب احمدیر" بو اثر اسلامیتدن اونجه یازیلسادا اسلامیتدن سونرا قاباریق شکیلده استفاده ائدیلمیش، گونسلشمیش و اسلامی عباره‌لرله بزه‌نمیشدی اثر اصلینده اویغور الیفباسی ایله کاشغری تورکجه‌سینده یازیلمیش، سونرا اسلامی (عرب) الیفباسی ایله آلت یازما صورتینده استفاده ائدیلمیش.

سمرقند نسخه‌سی آن قدیم نسخه‌سی دیرکی اویغور الیفباسی ایله قالماقدادیر سونرالار استانبول و آنکارا نسخه‌لری اوندان کوچورولوب وقالیر. اونون ایندی دونیا دا مختلیف نسخه‌لری‌وار او جمله‌دن آلماندا بن آکادئمیاسیندا ساخلانان نسخه‌سینی آد آپارماق اولار در حال عتبةالحقایقین بوگون آلده موجود اولان نسخه‌لری، قوتادقوبیلیک نسخه‌لرینده اولدوغوکیمی اثرین یازیلدیغی زاماندان اولدوقجا سونراکی بیرتاریخه عایدیر. میلادی ۱۳ ـ جو عصرین ایلک یاریسیندا قلمه آلینمیش اولدوغونو سویله بیله‌جه‌ییمیز بو اثر ۱۴ ـ جی عصرین سونلاری و یا ۱۵ ـ جی عصرین باشلانغیجیندا ارسلان خواجه تارخان گوستریشی ایله یئنی‌دن

تنظیم ائدیلمیشدیر. قید اولوندوغوکیمی سون زامانلارا عاید اولان بواثرین تاریخی ۱۴۴۴ ـ جی میلادی ایلی دیرکی، او نسخه‌ده "سمرقند" نسخه‌سی آدی داشییر*.

بو اثر "محمد داد سپهسالار" نام بیرامیر اوچون تألیف اولوندغو گورونور و کیتابی مطالعه ائده‌جک حالدا بو آدی گئدن امیره و اونون مدحی اوچون سویله‌نیلن مدحیه‌لره راست گلمک اولار.

بواثری بیلیم و تحقیق دونیاسینا تانیش ائدن البته بیرینجی دفعه جناب "نجیب عاصم" اولوبدور. آوروپا عالیملریندن جنابلار رادلف و ت. کووالسکی و ژ. دنی؛ بیلیمسل اولاراق کیتابی آرایبلار و اونون باره‌سینده گئنیش فیکیرلرینی سویله‌ییلر. بوحاقدا داها بیرتورک عالمی جناب فواد کوپورلی چوخ گئنیش تحقیقات آپاریبدیر. و اونون دونیایا تانینماسیندا چوخ ایشلرگوروبدور.

بو اثر اولدوقجا دینی پندآمیز و فلسفی موضوعلارلا دولودور عین حالدا او اجتماعی و کولتورآل زنگین بیر هدایت ائدیجی نورانی کیتابدیر منجه کیمسه تاپیلمازکی اونون اوخوماسیندان دونیالار قده‌ر خئیرو ثواب آپارماسین و اوندا بویرولدوغو امر و بویروخلاردان درس آل‌ماسین حقیقتاً حیات یولجوسونون بیربلدچی‌سی دیر.

اونجه دئدیم کی کیتابین آنایازی الیفباسی اویغورجا اولموشدور. یئری‌گلمیشکن ایستردیم اویغور الیفباسی حقینده بیرقیسا تانیتیم وئره‌م.

---

* - ATEBETǓL - HAKAYIK . REŞID RAHMETI . ANKARA 1992.

بو الیفبا "سغد" الیفباسیندن دوغولموش و یارانمیشدیر. ۱۸ حرفدن عبارتدیر. دوغو تورکوستاندان توتموش سلطان محمد فاتحین درباری استانبول شهرینه قده‌ر بیرگئنیش اراضی ده یایلمیش و اوندان استفاده ائدیلمیشدیر. بو الیفبا ایله آدی چکیلن اثرلر یازیلمیشدیر: "قوتادقوبیلیک" یوسف خاص حاجبین اثری (۱۰۶۹ میلادی) عتبة‌الحقایق ادیب احمدین اثری (۱۴۴۴ م.).

- اوغوز خاقان داستانی
- بختیار نامه
- تذکرة اولیا
- مخزن میرحیدر
- خوارزمی محبت نامه‌سی
- کیتاب مسئله
- سراج القلوب

بو الیفبانین آیری تانینمیش آدی "گالیک" دیر. قید ائتمک لازمدیرکی بو الیفبا ایله دینی اثرلرده یازیلمیشدیر اوجمله‌دن:

- ایرک بیتیک ۹۳۰ میلادی فال کیتابی یازانی مانی راهبی
- ایکی بیلتیزنوم (اصول اساسی دوگانه) مانوی
- آلتون باروک (قیزیل نور) بودائی
- ادگواوغلی تیگین ایله آییغ اوغلو تیگین (شهزادهٔ نیک‌اندیش و بداندیش)

بودائی *

سیز اوخوجو سویداشلاریم بواثرده عتبةالحقایقین اویغور یازیسی ایله برابر آلت عرب الیفباسی‌ایله تورکجه (اسکی) آنلاملی یازیسینی گوره بیله جکسیز. آنجاق اونملی اولان شئی بومتنین بوگون آذربایجان تورکجه‌سینه ترجمه‌سی دیرکی من اونو انجام وئرمیشم، اولسون‌کی اوندا یئترسیزلیکلر وار اونجه‌دن سیزلرین اونرلرینیزی جان و باش سایقیسی ایله گوزله‌ییرم.

ح. ش (سوی تورک)

---

* ـ ادبیات تاریخینه بیر باخیش، دکتر جواد هیئت تهران ۱۳۵۸

## مـــتن اصلی

# «عــــتبة الحقایق»



A 1

صفحه اول عتبه الحقایق نسخه سمرقند



بسم الله الرحمن الرحيم

الهي اوكوش حمد ايورمن سنكا

سننك رحمتنك دين اومارمن اونكا

ثنامو ايوغاي سنكا بو تسليم

اونارچه ايايين ياري بير منكا

تبعا لحجه

سننك بارليغينك غه تنوغ لوق بيرور

جمات جانور اوچغان يوكوركان نانكا

جمله — نسنه لر

سنيك بيرليغينك غه دليل ارقاغن

طلب ايده

بولور بيرتنك ايچره دليللر مينكا

ففي كل شيء له آية تدل على انه واحد

يُوقْ اِيرْدِيمُو بَرَاتْ تِينِكْ يَنَا يُوقْ قِيلِيبْ

اِيكِينْجْ بَارْ قِيلُورْ سِنْ مُقِيرْمَنْ مُونْكَا

آيَاشَكْ يُولِينْدَه يَلِيكْ لِي اُوتُونْ
یلگو

كِيلْ اُوتْ دِينْ اُوزُونْكْ يُولَا اُولُومْدِينْ اُونْكَا

بَرَاتِّي اُوغَانِيمْ تُونُونْكْ كُونْدُو زُونْكْ

اُونُوبْ بِيرِي بِيرْكَا يُورُودْ اُونْكْ سُونْكَا

تُونَا تُورْدْ تُونُونْكْ نِي كُونُونْكْ كِيتَا رِيبْ

كُونُونْكْ كِيتَا رِيبْ بَازْ يَرُوتُورْ تَنْكَا

كما قال الله تعالى يُخرِجُ الحَيَّ مِنَ المَيِّتِ وَيُخرِجُ المَيِّتَ مِنَ الحَيِّ

اُولُوكْ تِينْ تِيرِيكْ هَمْ تِيرِيكْ دِينْ اُولُوكْ

چِيقَارُورْ كُورَهْسَنْ مُونِي كِيبْ آنْكَا
پیلك آشرو تخشی

بُوقُدرَت اِیدیسی اُولوغ سیز بیات
ماجی
اُولُوك لَرَانی بِیزکُوز مَاك آسان آنکَا

## فِي نَعْتِ النَّبِيّ عَلَيْهِ السَّلَامْ

اِیشیت اِیمدی قاچ بیت حَبیب فَضلِ دین
اُوقُوش هُوش بی تِیب سُوزمَنی اُونکَا
طبیعت مهم نثر ایکمک واقف اُول
اُول اُول خَلقَده بِیکی کِشی قُوتلُوغی
تُورَاتمِش دَه یُوقْ بِیل آنکَا تُوش نِیکَا
برابر تنگ
رَسُول لَر اُورُونك یُوز یُواُوك یُوزکَا کُون
آق
یا آنلَر تِیزِل اِینك بُوایِنکَا مَنکَا
یکانق بنك
آیِنك مَدح بِیرلَه نَاشیر بُوتِیلِم
آیِنك یَادِی بِیرلَه شَکَر شَهد آرنکَا
باكر

بو کون تیکسو مبندین درود اولسا یارین

الیك توت تاپچیم غه ایکرسه سونکا

في مدح الصحابة الاربعة رضوان الله عليهم اجمعين

بیمه تورت ایشینکا ایبدورمن سلام

اولردین اوسان مق تجان اولمنکا

صادق بیرله فارخ اوچونج ذو النورین

علی تورتی لنجی اولا آر سیك تونکا

مبیتلو

کیم ایرسا بو تورت ایشکا بد اعتقاد

تونار ایرسا مینك لعن ایورمن آنکا

الهی کیجور کان ایدیم سن کیجور

عقوادبی

نیچه ما خطالیق قولد ایرسم سنکا

مَنْکَا بُولْسَه فَضْلینك قُوتُولْدي اُوزُومْ

اَکَرْ بُولْسَه عَدْلینك قَنیغ لیق مَنْکَا

فِي مَدحِ امیرِ الاجلّ یاداسپهسالار بیك علیه الرحمة والغفران

اَیَا اینَل قُورَکْت مَدْح اُوتُون کیل قَنی
عرضه ایتا

مَنْ آرْتوت قیلایین شَهیمغه اَني

شَهیم مَدح بیرلَه بَزَایین کِتَابْ

اُوقُوغَن کیتی نینك یُورُوسُون جَاني

اُوکَا بیلمس ادکا اُوکُوت اُوکْرَا تُور

آنینك فَرِّ جُودی سبیغ اِحْسَاني

اُولْ اُولْ عَقْل اُوقُوش هُوش خِرَدقَا مَکَان

بِلِیك مَعْدَني هَمْ فَضیلَت کَاني

يمك دين ادیز راك توتار همت اول

سخايي مكاريم بيكا درماني

رعيت قه مشفق سليم دين حليم

وليكن بوشارده شيرا ارسلاني

صلابت ايچنده عمر داك عارف

سخاوت يماقت توتار عثماني

تنيك ليك ده كندو ايازدين اوزوق

داد انصاف تونتار چين اني شيرواني

آنينك نخشيندين بولوت اوفنا نور

بو سوزني بو تون چين توتار دشمني

آيا شاهيم آدم لرين سانه غم

CXXIV

سَنَازمُو آدِيزْ قُمْ اُوشَاقْ تَاشْهَانِي

سِيَاسَتْ رِيَاسَتْ كِيَاسَتْ كَرَمْ

رِيَادَه اُولَه عَدَلْ اِيشِيتْ كُوزْمُونِي

بَنَاجَحْدْ مُرُوَّتْ فُتُوَّتْ اُوغَانْ

عَطَا قِيلْدِي شَاهِيمْغَه بُوجُمْلَه نِي

اُوكُوشْ آزْ دِيبْ آيْمَسْ يَنِيرْلَرْ دِينْكِيزْ

بُولُوتْ هَدْيَه قِيلْسَه اُوشَاقْ قَطْرَه نِي

دِينْكِيزْ دِينْ كَرِيمْ رَاكْ شَاهِيمْ مِينْكْ قَنَا

قَبُولْ قِيلْسَه نَنْكْ بُوقْ بُو آزْ هَدْيَرِنِي

٢ مُوجِبِ تَالِيفِ هٰذَا الْكِتَابِ وَمُقْتَضِيَهْ

نَاتْ اِسِيَه سَالَارْ بِيكْ اُوچُونْ بُوكِتَابْ

چیقار دیم اجون ده آیی قالسو دیب
کتابیم نی کورکان ایشیتکان کیشی
شاهیم نی دعا بیرله یاد قیلسو دیب
کشینکی کلیك بی کیشی لر ار ا
آتینك ودی بیرله کونکوللر تولوب
آتینك یاد بیرله اجون تولسو دیب
تزادیم کتابی مواعظ مثل
باقیغلی اوقوغلی اسیغ آلسو دیب
بلاك اتیم آیی شهیم غه سزوك
هوا دار لیغیم نی توکال بیلسو دیب
النوع الاول في منفعة العلم ومضرة الجهل

آتینك ایری کیشی قولسون آدین بیرله تولسون تیب

بلیك نین آیودمن سوز ومرکا اولا

سمع الی

بلیك لك کا بیادوست اوزونك نی اولا

اولا شغل

بلیك بیرله بیلنور سعادت یوللی

بلیك بیله سعادت یولینی بولا

بهالیق دینار اول بلیك لك کیشی

بوجاهل بلیك سیز بهاسیز بیشی

بلیك لك بلیك سیز تنکان تنك بولور

بلیك لك کیشی ایر جاهل ایر تیشی

سونکاك کا بیلیك تاك ایران کا بلیك

ایران کورکی عقل اول سونکاك بنیك بیلیك

بلیك سیز بیلیك هیز سونکاك تاك خالی

بِلِيك بِيلَ اُوسَانغَا بِيلَ اُولْ حَق سُوك

بِلِيك كِيمْدَه اِيرْسَا سِيزْ آرْقَانك دِيبِ

وَذلك قوله عليه السلام اطلبوا العلم ولو بالصين

بِلِيك لِك بِلِيكْ نِي اَدَارْكَان بُولُورْ

تاشت

بِلِيك تَا تَغْيِين اِي دُوسْت بِلِيكْ لِكْ بِيلُورْ

بِلِيك بِيلْدُورُور اِيزْكَا بِلِيك قَدْرِينِي

بِلِيكْ نِي بِيلِيك سِيزْ آدِين نَه بِيلُورْ

ازك

بِلِيك سِيزْكَا حَقْ سُوزْ تَاتِيقْ سِيزْ اِبُورْ

آنِكَا پَنْد نَصِيحَتْ آسِيقْ سِيزْ اِبُورْ

نَه تُورْ لُوكْ آرِيغْ سِيزْ آرِيزْ يُودِيسَه

جَاهِل يُوبْ آرِيمَز آرِيغْ سِيزْ رَابِيرُورْ

بلیگ لك كیشی كور بیلور ایش اوزین

بیلیب ایناد ایش نی اوكون مس كدین

نه توزلوك ایش ایرسا بلیك سیز اونكی

اوكوغ اول انكار یوق اونك آنده آدین

بلیك لك كیراك لك سوزین سوزلایوز

كیراك سیز سوزینی كوموب كیزلایوز

بلیك سیز نه ایسا ایور اوق تمادین

آنیك اوز شیلی اور بیبی بود

بلیك برله بیلنور توراتكان ایدی

بلیك سیز لك ایجره خیر یوق دیدی

بلیك بیلمك دین بیر آنجا بودون

CXXX

اوز ایلکینین بوت اینیب ایدیم بودیدی
بیلیک لیک سوزی پند نصیحت ادب
بیلیک لیک نی اوکدی عجم هم عرب
توار سیزغه بیلکی توکان مس توار
حساب سیزغه بیلکی یا ابلمس حساب
النوع الثانی فی حفظ اللسان وسایر آدابها ورسومها
ایشیت کیل بیلیک بیک نیکو دیب ایوت
ادب لر باشی تیل کودار ماک تورور
تلینک بیک ته قوت غیل بیشینک سونما
خالی چیقسه بیک بین بیشینک نی سیوت
سیب سوزلکان ایر سوزی سوز ساجی

CXXXXI

اوکوش نک شغن تيل اي آلتن ياغي
اعتبار
سوزونک بوشلوغ ايشا ييغا توت تلنک
يينار باش قه ييرکون بوشيل بوشلوغي
خرذليق مو بولور تيلي بوش کيشي
تليم باشني ييدي بوشيل سوز بوشي
اوجوک تورمه ايزني تيلين بيل بوتيل
کندوکر دشمن اتمه
بتاق تورسه بوين مس بوتار اوق باشي
اوکلن
جراحات السهام لها التيام ولا يلتام ما جرح اللسان
تفيه ايرتيلي اوز باشي دشمني
تلندين توکولدي تيليم ايرقي
اوکوش سوزلکان ده اوکون کان تيلي

اوكوش ننك شغن تيل اي آلس ياغي

اعتبار

سوزونك بوشلوغ ايشا ييغا توت تلنك

يينار باش قه يتكون بوتيل بوشلوغي

خردليق مو بولور تيلي بوش كيشي

تليم باش ييني ييدي بوتيل سوز بوشي

اوجوك تورمه ايوني تيلين بيل بوتيل

كند وكه دشمن اتمر

بتاق تورسه بوينغ مش بوتار اوق باشي

اوكلن

جراحات السهام لها التيام ولا يلتام ما جرح اللسان

سفيه اير تيلي اوز باشي دشمني

تلنديز توكولدي تيليم اير قني

اوكوش سوزلكان ده اوكونكان تيليه

# CXXXII

نلین بیک لکان ده اوکون کان قبی

بیکیم کلسه ایرکا تیلینبین کیلور

تو تبل دین کیم ادکوکیم ایسیز ایرور

ایشیب بوث بوسوزکا لمن سنک ده ننک

اانّ

توبوب تبل کا یوک نوب تضرع فیلود

دوری — دریوکی

کودار کیل نیلیناك بی کیلدار قیلسونونك

صقل

کودار بیلسا بوتبل کودارلور اوزونك

صملم

رسول ایربی اوت قمر یوزین ات قوچی

تیل اوز دیدی بیغ تبل یول اوث دین اورونك

حلاص غل

ایکی تنك بریکسا بیر ایرده خلی

یحین اوف

توکاندی اول ایرکا سوزوق یولی

CXXXIII

سِـزْ اُوْلَـہ يَـكْشَـاڭ اِيْرسَه كِيراكْ سِيْزْ سُوْزِيْق

اِكِيْجْ يَلْغَـانْ اِيْرسَه اُولْه اِيرِيْنكْ نِـيلِي

نِيلِي يَلْغَنْ اِيرِدِيْنْ بِيـسَرَاقْ تُوْزْ نِبِزَه

كِيحُوْدْ سَنْ مَه عُمْرُوْنكْ . كُوْنِي لِيكْ اُوْزَا

اَعِيزْ نِيلْ بَزَاكِيْ كُوْنِي سُوْزْ دُو رُوْزْ

كُوْنِي سُوْزْلَا سُوْزْنِي نِيلِنكْ بِنِي تَبَزَا

كُوْنِي سُوْزْ عَسَلْ دَكْ بُوْيَلْغَنْ بَسَلْ

نَسَلْ بِيبْ اَجِيْتْ مَه آغِيزْ بِي عَسَلْ

بَه يَلْغَنْ سُوْرْ اِيكْ دَاكْ كُوْنِي سُوْزْ شِفَا

بُوْ بِيْزْ سُوْزْ اُوْرَاغِي اُوْرُوْ وِلْمِيشْ مَشَالْ

كُوْنِي بُوْلْ كُوْنِي لِكْ فِيلْ آنْ كُوْنِي

CXXXIV

کونی دیبو بیلسون خلایق سینی
کونی لک تونین کی قویوب ایکری لیک
کیم تون تولوسی کونی لیک تونی
قنیغ کیزله دازینک کیشی بیلماسون
سوزونک دین اوزونکا اوکونج کیلماسون
قوغ یاش روایشینک بولوب آشکارا
بو کورکان ایشیت کان سنکا کولماسون
ایشیم دیب ایناینب سیز آیما سقین
نیچه ما ایناغ لیق ایش ایرسا یقین
سرب سینده رازینک شینکب توهسا
قرار قلب
سینکار مو ایشینک ده مونی کیب سقین
آسرو نجتی

CXXXV

# النوع الثالث في تقلب الدنيا وتغير احوالها

بو آژون رباط اول توشوب كوج كولوك
رباطقه توشوكلي توشار كيج كولوك
اونك آرقيش اوزادي قوپوب يول توتوب
اونكي توب ميش ارقيش نجه كوج كولوك
بو دنيا سوزنكي ده يوكوردماك نجه
خسيس نك دين اونترو ديبا اوزونك كوجا
نجه مال غنه موجه كونكول بغلاماق
بو مال كيلسا ادنر بارور بازكيجه
كونكول دين جيقارغيل توار سوق لوغين
حريصلق
كيدين بيرله نيب نوت قرين توق لوغين
كريم

مینك دیبیشینك تنك ایدین لر اونکی
اولوغی
قموغ تولغن اسلور توکال اکسی بود
توکیلور
قموغ آبه دان نینك خراب اول سونکی

نجه بیر باز ایردی سیغش مزاری
آری باردی قالدی قوروغ تاك ییرك
نجه دانا ایردی نجه فیلسوف
قنی بوکون انلار مینکینده بیرك

آتون کولجیراز باز آلین قاتزجینار
بیر ایلکین توتوب شهد بیرین زهرقنار
عسل تات دوب ایلکین تماغ تاتیغیب
کدنکی قدح قه سونوب زهرقنار

CXXXVIII

سُوچُوكْ تَاتْ تِلِنكْ اِيرْسَه آجِيقْغَه آنُونْ
حاضر باش شيرين

بِيرِينْ كِيلْسَه رَاحَتْ كَلُورْ دَيْخْ اُونُونْ

آيَا رَيخْ قَانِيقْ سَيزْ سُوزُورْ اُومْغُوبْچِي

بُو آزُونْ تَجَّانْ اُولْ اُومُوجْقَه اُودُونْ
مزنه

بِيلَانْ دَاكْ بُو آزُونْ بِيلَانْ اُوقْ لَاغُو

بُوقَامُوقْ قَه يُومْشَاقْ اِيچِي بُرْ آغُو

بِيلَانْ يُومْشَاقْ اِيرْكَانْ يَاوُوزْ فِعِلْ تُونَادْ

بِيرَاقْ تُوتْغُو يُومْشَاقْدِيبْ اِيبَانْ مَغُو

بُو آزُونْ كُورَادْ شَا كُورُومْ لُوكْ سَنَاشِي

وَلِيكِنْ اِيچِنْدَه هَزَارْ سَنَا خُوتِي

بَاقِيبْ تَاشْ بِزَاكِينْ كُورُوبْ سَنْ مُونُكَا

کوڭول بغلامق بیل خطالر باشی

قال النبی صلی الله علیه وسلم حب الدنیا رأس کل خطیئة

نقاب کونت دوند آزون بیرار کوز آچار

بزار قول قوچار داك ینا ترك قچار

بازین عجی بولوت دك یانوش دك خالی

درنك سیز کیچار نخت یاقوش دك اوچار

النوع الرابع فی بر السخاوة ومذمة البخل

ایا دوست بلیك لك بیزین ایز لكیل

خالی سوز لسنك سوز بیلیب سوزلاکیل

اجا ایری اوك کیل اوکار ایرسه سن

محلغه قوربن دك اوقونك کزلاکیل

تَنسُوغ نیلِ اَنجی ایرشَناسِین آبُور

اَنجی لیق قَموغ عَیب کیری نی یوُیوُر

اَنجی بُولُر سَنکا سُوز سُوکُونج کیلما سُون

سُوکُونج کیل کُو یولی نی اَنجی لیق نیوُر

اَنجیل مِن کُونکول نی اَنجی ایر ایکار

نیکیل مس مُرادقه اَنجی ایر نیکار

نجیل لیق نی قانی اوُکار نیل قایو

اَنجی لیق نی هم خاص توُز و خلق اوُکار

اَنجی ایر بلیک نی بیتیه بیلدی کوُر

آنین ساتی مالین شنا الدی کوُر

نیریلدی اوُلام سوز اولامای بولوب

آزون ده آت ادکو قودب باردی کوز

بخیل یغدی ذرسیم حرام دین اوکوش

وبال کوتدو باردی اوزیله سوکوش

دسام

اولوش بولدی مالی کیشیلر ارا

بخل آلدی آیدین اوکوج دین اولوش

غم وحسرت

قال النبی علیه السلام من تواضع رفعه الله ومن تکبر خذله الله

ایا مال ایدی بی آخی ادکو ایر

صاحب

بیات بردی ایرسه سنکا سن مه بیر

بیریلکان سوکول کان نیریب بیرمکان

حلال بیرور ارسنک یغچه ترسا سنیر

طبعنده بیکی عادت عیب سوزنی

آخي ليق ايرور بيل بخوللق كوز كوشي

ايلديك لرده قونلوغ بو ايكلي اليك

آليب بير مكان ايل ايليك قوت سوزي

بخيل ليق اونغر لاب اونكال مز ايك اول
علاج

بير يمدين بخيل ايلكي كيت برك ليك اول
تيتى

بيغيب كونكلي توي مس كوزي سوق بخيل
درهم

قول اول مال غه مالي انكار ارك ليك اول
سلتا

بو بودون تولوسي آخي اير تورور

آخي ليق شرف جاه جمال ارت تورور
جاه

سوول ماك نبلا سنك كيشي لر ارا

آخي بول آخي ليق سيبني سيودو دور

تخیل ناکس اوت سیز توار باش بانی
بیغان بیماس ایچماس تونار برک آنی
تاتورمز ایسانینده توز دوستنه
اولور قالور آخر ییور دشمنی
ینا بیر کراک لیک سوزوم بار سنکا
ایا بین من انی قولاق توت مکا
سوز اول دور تکبرنی باشدین سالیب
تواضعنی برک توت یابوشکیل آنکا
تکبر قوغ تیلده ییرلور قیلیق
قیلیق لرده ادکو قیلیق خوی قیلیق
خو د ذل
اول ایرکه الغ سینیدی من من دیبی

قَسُوغْ قَازْغَنه يِقْلي اَدُونْ مَالِينِي

يَيُومَادِي بَارْدِي كُورُونْكْ حَالِينِي

نِتِيجِي قَالِيبْ بِيرْ اَدِينْ اِيسْرْ بِيلَه

(دبكر)

اُولْ آنده يَا آتِي يَانْ بِيرُوزْ سَانِي نِي

تَكَبُّرْ لِبَاسِينْ كِيبْ آزْ سَايِنْ

كِيرِيبْ خَلْقْ قَه كُوكْ سُونْكْ اَزَاوُرْلَاب بِيلِينْ

(ازادب)

مُؤْمِنْ لِيقْ نِشَانِي تَوَاضُعْ نُورْ دُورْ

اَكَرْ مُؤْمِنْ اَرْسَنْكْ تَوَاضُعْ قِيلِينْ

تَوَاضُعْ قِيلِيقْ اِيلِي كُونْكْ دُورْ اِيدِي

تَكَبُّرْ تُوتَاذْ اِبْزِيني كِيمْ شُورْ قُوزْيْ

(ميرازد قيسي)

الغ سینمه زنهار الغ بیر بیبات

الغ لوغ منک سیز آلین منک دیدی

الله

قال النبی علیه السلام من تواضع رفعه الله ومن تکبر خذله

توار بیرله ایرسه الغ سیندوغونک

الغ لوغ تیادو ایلیک سوندوغونک

اصل

توار آسیغنی میش بارودسن بلنک

قالور مونده کیسنک سبات صندوغونک

اکرکیز ایبی آصیل من دیسه

ایا بن من آنونک جوابن کنسه

آتا بیر آنا بیر اوبالر بو خلق

برادران

تفاوت لری یوق اوتا آرتی سبه

اَلنَّاسُ مِنْ جِهَةِ التِّمْثَالِ اَكْفَاءُ اَبُوهُمْ آدَمُ وَالْاُمُّ حَوَّا

بِيَه پَنْدِيمْ اَلْغِيبَلْ اُوزْ اَتْ مَه اَمَلْ

تاز

اَمَلْ اِسْرَاسِنْدَه بُوسُوغْ لِي اَجَلْ

در پس امل — پنهان شده

اَمَلْ دِيبِيشِيمْ دُوسْتْ اُوزُونْ سَنْمَا اُولْ

اُوزُونْ سَنْمَه سَاقِيغْ اُوكُوشْ قِيلْ عَمَلْ

شمار — فکر

اَيُو رَسَنْ كَبِيمْ تُونْ شَرَابْ آشْ كِرَاكْ

تِيلِيمْ سَانْ لِمُوكُوشْ تُولُو قَوْلَا بَاشْ كِرَاكْ

اَكَرْ بِيغْبِينْكْ اِيرْسَا عُمُرْلُوكْ تُوَارْ

بُورُونْ بَاشْ قَه بُورْكْ نِي كِيَاذْ بَاشْ كِرَاكْ

اول

حَرِيصْ لِيقْ مَا اِيرْكَا يَا اُوزْ خَصْلَتْ اُولْ

حَرِيصْ لِيقْ سُونْكِي غَمْ اُوكُوشْ حَزَنْ اُولْ

بینهایت

بو بای لیق چیغای لیق ایدی قسمی

حریص لیق تلک ایرگا قوروغ حصلت اول

قال النبی علیه السلام الحریص محروم

حریص توی مس آجون تنگی نی تیریب

حریص لیق قادی مس ایدیسی قاریب

حریص لیق نی قویار حریص ایر قیان

اولوب یتسا توپراق انگینکه کبیب

حریص بیغیب آز مز اوسن مز بولور

حریص لیق ایکی نینک ایمین کیم بیلور

قنبر بار بیر لیسا آکر آدمی

ایکی یول دینار نی اول اون یول قیلور

وذلك قوله عليه السلام لو كان لابن آدم واديان من ذهب لتمنى ثالثا

آیا حرص ایدیسی حریصلیق نه آك

ایو بیر منکا بو تکوکا کیرالك

تآز ایرسا کینك ایرسا بتیلدی دونو

حریص لیق قیلودمو مونی ادکو آك

كما قال الله تعالى نحن قسمنا بينهم معيشتهم في الحيوة الدنيا

کوکی کورکلوك ایرنینك خوبی کورك لوك اول

بی کورك لوك قیلیق قا کونکول ایرك لیك اول

بیر ایرینیزه ایوکا نفاوت نلیم

ولیکن کوردا کا توزی بورك لوك اول

النوع الآخر في مكارم الاخلاق والتحريض على التخلق

بُونُون قِیلْغ فِعْلِین اُونُتَا اِیرْدِیکِیل

کَرَمْ کِیمْ دَه بُولسَا آنِی اِیرْدِیکِیل

بِیمِیش سِیز یِیغَاج دِک کَرَم سِیز کِیشِی

بِیمِیش سِیز یِیغَاج نِی کَسِیب اُورتَاکِیل

مُسُلمَان غَه مُشْفِق بُولُوب مِهْرَبَان

سَنْکَا صَنْدُوغُونْک نِی مُسُلمَان غَه سَان

قَالَ النَّبِیُّ عَلَیْهِ السَّلَامُ اَلتَّعْظِیمُ لِاَمْرِ اللّٰهِ وَالشَّفَقَةُ عَلَی خَلْقِ اللّٰهِ

جَفَا قِیلدَا جِیبِنْکْ غَه بُنُوت قِیل وَفَا

آرِی مَزْغِیچَه یُوسَا قَان بِیرْلَه قَان

یَرَاغْلِیق آشِینْکْ نِی کِیشِی کَا بِیرْدُر

یَرَاغ بُولسَنْکْ اُوفْرَاغ یِلِینْکْ نِی

کوج امکاك تیکوز ما کیشی کا خالی
امکر تیکسا ایمکاك کیشی دین کیچور

آسیز قیلغن ایوکا سن آدکو قیلا
کرم نینک باتی بو ایرور دکین بیلا

آکز کلسا ایردین سنکا آدکو لولك
اوکوش قیل اوذ ایر نینک تناسین نیلا

یاذوغ لوق کیشی نینک یاذوغین کیچور
عداوت کوکیی قازیب کس کوچور

بلینک لنسه توت شوب عصبکین اوتی
حلیم لیق سوبین ساچ اولا اوتنی اوچور

کما قال الله تعالی والکاظمین الغیظ والعافین

عن الناس والله يحب المحسنين وكقوله صلى الله

عليه وسلم من كظم غيظا وهو يقدر

على انفاذه ملاء الله قلبه ايمانا صدق رسول الله

كرم بير بناتاك آنكا حلم بنياد اول

يا ميدان دك اول كول كرم آل كول اول

ييقيق لي ياري بيين كسوك لي اولا

بولبندين لك ايركا ازاد اوز قوللا

كوداز كيلدا ايا دوست الغ لر حفيين

آسيغ سيز جدلهم مزيغ دين سفتيين

الغ لربي بوش دوب سنكا بومزاج

يچيك لربي اوستاخ فيلو بيل يقين

CLII

بلاكيلسا صبر ايث فرح قا كونوب

كو يوب تو فرح قه بلا رنج يو توب

كما قال الله تعالى والله يحب الصابرين

فان مع العسر يسرا وكقوله صلى الله عليه وسلم

انتظار الفرج بالصبر عبادة

اوچاز محنت اوني كيچاز نوبتي

قالور صبر ايديسي ثوابين توتوب

الغ لوق فه نيكسنك بيكيلما اوزونك

قالي بولسا اطلس اونونما بوزونك

الغ بولدوغونك جه توزون راك بولوب

الغ قر كيجيك كا سيلق توت سوزونك

اَلنَّوْعُ الآخَرُ فِي أَبْيَاتٍ مُتَفَرِّقَةٍ تَشْتَمِلُ عَلَى مَعَانٍ مُخْتَلِفَةٍ

اُوقُوبْ سُوزْلَا سُوزْنِي اِیُو سُوزْلَسَا

سُوزُونْك كِيزْلَا كِيدِينْ بَاشِينْكْ كِيزْلَسَا

مِينك اِيُو دُوسْتُونْكْ اِيُوسَا اُوكُوشْكُورْتَايْ كِيلِ

بِيْرِ اِيُو دُشْمَنْ اِيُوسَا آيِي آزْ لَسَا

وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَلْفُ صَدِيقٍ قَلِيلٌ

وَعَدُوٌّ وَاحِدٌ كَثِيرٌ

نِيچَه تَانِيكْ اَرْدِينْ بِيْرَارْ سَهْوَكِيلُورْ

نِيچَه پُرْ هُنَرْدَه بِيرَارْ عَيْبْ بُولُورْ

بُو بِيرْ عَيْبْ دِينْ اُوتْرُو بَاشِينْ كِيسْ كُوچِي

آزُونْ دَه نِيرِيلْكُو كِيشِي سِيزْ قَالُورْ

نيريك ادگو قيلغلين كونگول لر آليب

آسيزلك دين اوزني سيرانك كوسا ليب

ايتار بولسانگ ايش ني سنيب سقنيب ايت

كيرك مو كيرك سيز مو كيزتو بيليب

نه ايش اوت دوكيلسا سنگا كت يقين

اولا ايش نينك اونگي سونگي ني سقين

سوز ايرسا كيدين كونگولد توت آنگا

اوكوج ايرسا آندين اوزا راق سقين

ايوآن خيري شري كوزآف كيجس اول

آسيز ادگو ايشكا بيوت بولماز اول

آيا ادگو اوتغن آسيزلك قيليب

تیکان تاریغن ایر اوزوم یجمز اول

إذا افنزت امرا فاجنب عداوته من یزرع الشوك لا يحصد به عنبا

ایشی ادکو بولسا ار ادکو بولور

ایز ایش ادکوسنده اوکوش خیر کیلور

آسیزکا یتوما آسیز صحبتی
یوزویکه ترزو

سینی ترکین آسیز قیلغلیق قیلور
ازود

كما قال النبي عليه السلام من مشى مع ظالم فقد اجرم

مجاز بولدی دوستلوق حقیقت قانی

مینک ایز دوستده بیری بولونمزکونی

اوکوش راک کیشی نینک ایچی غدد ایرور

کونی دوستونونک ایرسا تاشی یلمونی

CLVI

بوکون بو اوجونده کیشی لیک عزیز
قانی تنده بردی کیبی لیک آسیز
وفا کولی سوغلوب قوروب بول لکن
جفا تولدی تاشدی دبنکیزدین ادیز
قنی عهد امانت قنی ادکو لولک
کونی کلدو کنجه خیرکیت کو لولک
وذلك قوله عليه السلام بدأ الاسلام غريبا وسيعود غريبا
عمل قوبدی عالم زاهد زهد ورع
عارف رقص جیقارور اورور خوش سماع
بدع دین یغیقلی کیشی قالمادی
اینگ کونده آرته تورور بو بدع

کیم اولد بوزچی ایرسا کیتی بیک اول

کیراك ایرسا بیك لیك یوری بوزچی بول

کیم اولد یولد لوق ایرسا آنینك یولی یوق

کیم اولد یول سوز ایرسا آنکا کینك دو بول

آیا آرتاغ ایش لیك سوزچین سالین

سنینك دوزکارینك بو کونکولجه قیلین

نیلاك چه نبرلا ایغ فرح قدغوسیز

امان

یبری کیل نیلاکیل اوزونك خوشلوغین

بودون مال لیغ ایرکا اودوب یوزلرین

خلایق

توزو قولد قیلورلا آزاد اوذ لرین

کیم اولد مالسیز ایرسا اولد ایرنی کورو

بونا اوروب كچارلر يوموب كوزلرين

ايا مالغه سوق ار يقين بيل بوساك

توكون قدغو ساقينج يا رين بولك وباك

حرام ايرسا مالينك عذاب اول سونكی

حساب اول اكر بولسا مالينك حلال

قال النبی علیه السلام حلالها حساب وحرامها عذاب

تلوك مالغه موجه سوق اول بو اوزونك

كونكولده غمينك اول بيلينكده سوزونك

باروب سن بو مالينك اجون ده قالور

اويانيب سيرو لر سيرينكعف بوزونك

سنينك مالينك اول مال ايشين توردوغونك

سنکا حسرت اولبک تونتوب توردوغونک

کما قال الله تعالی ما عندکم ینفد وما عند الله باق

بوکون کندو سوچوک بو نیرماک سنکا

شیرین

آچیق بولغا یارین قویوب باز دوغونک

آغ

بو آزون منه بی قنیغلیق سزه

آزاسی اوکوش راک منه بی آزه

آزاری

عسل قیده ایرسا بیله اری بی

آری زهری تاتقو عسلدین اوزا

اوزل

هنرلیق قه آزون وفاسیز راق اول

هنرسیزغه سونین جفا آزراق اول

هنر بیرله دولت بیری کیلماکی

قضا بيرله سچلور آداق قانيكان

قضا بيرله ايلنور توزاق قه ايليك

قوغ نينك داچي نتك قضا دين ايرور

او قوش سيز ايزاني سبب دين كورور

قضا بيرله اوچ غان خاليق قوش لري

قاري غه قونار هم قفس قه كيرور

تمنا كيلسا يولك روك يوكورمز اورب

قضا قيناريلماس قنيغ يا قوروب

سنكا تيغ آنكا كنج بيربكلي اوغان

جزع قيلما اي تنج ايديسي توروب

في العدد بتمام الكلام

بتي ديم كتابي مواعظ مثل
اوقيسا تاپار بيليك يميش دك عسل
كيم ايرسا بو سوزكا آدين لر سوزين
ازگلر
نيتكاسا نينكادي دوست فريدل
آديب احمد آنيم ادب پند سوزم   سوزوم مونده قالور بارور بو اوزوم
كيلور كوز كيچار ياز بارور بو عمر   توكانور عمر ني بو يازوم كوزوم
آنين اوش چيقاردم بو توركچه كتاب
ازگوردي
كيرك قيل ديب اي دوست كرك قيل عتاب
بتي ديم بو تنكسوق توره سوزلرين
خالي برسا اودوم آتيم قالسو ديب
چيني اوقوق
آنين اوز ايرور بو كتاب بيرسوزوك

تُلُولاب کِینُور دُر کیمیشْنیم یُوزُوك

(سالدیم) (بزنمز ترنج)

نَوَادِر سُوزُوك آز بُولُور هَزل اُوکُوش

حُوز اَطْلَس بُولُور قِیز اُوجُوزِی بُوزُوك

آیا مَنْدَه چِیبین کَلِیك لِی مُونی

اُقُوغَان دُعَادَه اُونُوت مَا مِینی

سَنْکَا هَدِیَه قِیلْدِیم بُو تَنْکْسُوق سُوزُوم

مَنْکَا هَدِیَه قِیلْسُو دُعَا دِیب سِینی

لاادری قائله ایضا في تعریف ادیب احمد علیه الرحمة

تُوغا کُورْمَس اِیردی ادیبنك کُوزی

تُوکاتی بُوارُن دُون بابا بحر سُوزی

یَغان بُولسَه یُوك لُوك اُزا سینه زر
ییل

آنینك توتش بولغای بو سوزنینك آزی

وبن كلام غیر لاجل تعریف یعنی امیر سیف الدین

ادیب لر ادیبی فاضل لر باشی

گوهردین سوز ایمیش ادین سوز بیتی

اوغان رحمت ایتسون بو ساعت آنكا

یا ربن قویسا بولسون یاران لر باشی

من مقالات امیر كبیر صاحب الرأی والتدبیر ارسلان

خواجه ترخان علیه الرحمة والرضوان فی تعریف خواجه ادیب

ادیب ینك بیری آتی یوكناك ایرور

صفالیغ عجب بیر كونكول لر یا رور

اناسی آتی محمودی یوكناكی

آدیب احمد اغلی یوق اول هیچ شکی

کتابی نینك آتی ایرور هبت اوُل

حقایق عبارت عرب دین اوش اول

تمامی ایرور کاشغری تیل بیله

آیتمیش آدیب رقتی تیل بیله

اگر بیلسا کاشغر تیلین هر کیشی

اوز اول ادیب نینك نیکیم آیمیشی

کیشی تیلنی بیلسا بیلور معنیسین

بیلور من دیسا عیب اوزی بیلماس

کوب ایلینی کوراد بیز ادیب سوزینی

بیله بیلمکان دین اولاد اوزی نی

عَیبْ قَه قُویُوبْ تُوْرْ خَلاَیِقْ آرَا
غَلَطْ مَعْنی سِینی اِیْنَبْشْ بِنَا
تمت صنبه الحقایق
بعون الله الملک الخالق

سَبَبْ اِیْردی بُواِیشْ بِنِی دُولُکْ کِتَابْ
کیرکْ قِیلْ اِجَابَتْ کیرکْ قِیلْ عِتَابْ
بِلِیبْ تُوتْسَا هَرْ کیم اَدِیبْ نینکْ سُوزِینْ
خَلاَیقْ آرا اُولْ کُزِینْ لَرْ اُوزِینْ

سَنَارْمُو آدِينْ قُمْ اُوشَاقْ تَاشْ سَانِي
سِيَاسَتْ رِيَاسَتْ كِيَاسَتْ كَرَمْ
رِيَادَه اُولَه عَدْلْ اِيشِيتْ كُوزْ مُونِي
بَنَا مَجْدْ مُرُوَّتْ فُتُوَّتْ اُوغَانْ
عَطَا قِيلْدِي شَاهِيمْغَه بُوجُمْلَه نِي
اُوكُوشْ آزْ دِيبْ آيْمَسْ يَنِيرْلَرْ دِينْكِيزْ
بُولُوتْ هَنْيَرْ قِيلْسَه اُوشَاقْ قَطْرَه نِي
دِينْكِيزْ دِينْ كَرِيمْرَاكْ شَاهِيمْ مِينِينْكْ قَنَا
قَبُولْ قِيلْسَه تَنْكْ يُوقْ بُو آزْ هَنْيَرِنِي

٢ مُوجِبْ تَالِيفِ هٰذَا الْكِتَابِ وَمُقْتَضِيهِ

نَاتْ اِسْپَه سَالَارْ بِيكْ اُوچُونْ بُو كِتَابْ

A

# BİSMİLLAHİ 'R-RAḤMANİ 'R-RAḤİM

## I.

## TANRININ MEDHİ HAKKINDA

1 ịlahi öküş ḥạmd ayur men sañga
2 seniñ rạḥmẹtiñdin umar men oñga

3 s̱ẹnamu ayuğay sẹza bu tilim
4 unarça ayayın yarı bir mañga

5 seniñ barlıḳıñḳa tanuḳluḳ birür
6 cẹmad canvạr uçğan yügürgen neñge

7 seniñ birlikiñke dẹlil arḳağan
8 bulur bir neñ içre dẹliller miñge

9 yoḳ erdim yarattıñ yana yoḳ ḳılıp
10 ikinç bar ḳılur sen mụḳir men muñga
11 aya şẹk yolında yiligli oḍun
12 kel ottın özüñ yul ölümdin öñge

13 yarattı ol uğan tünüñ kündüzüñ
14 uḍup biri birke yorır öñ soñga

15 tünetür tünüñni künüñ kiterip
16 tünüñ kiterip baz yarutur tañga

17 ölügdin tirig hẹm tirigdin ölüg
18 çıḳarur körür sen munı keḍ añga

19 bu ḳụdrẹt iḍisi uluğ bir bayat
20 ölüglerni tirgüzmek asan añga

## II.

## PEYGAMBERİN MEDHİ HAKKINDA

21 eşit emdi ḳaç söz ḥạbib fạżlındın
22 uḳuş huş yititip sözümni añga

23 ol ol ḫạlḳ talusı kiši ḳutluğı
24 törütmişte yoḳ bil aṅga tuş teṅge

25 rẹsuller örüṅg yüz bu ol yüzke köz
26 ya olar ḳızıl eṅg bu eṅgke meṅge

27 anıṅg ögdisindin tatır bu tilim
28 anıṅg mẹdḥı bolsa şẹkẹr şẹhd aṅga

29 bu kün tegsü mindin dụrud ol yarın
30 elig tuttaçımḳa egirse muṅga

## III.

## DÖRT SAHÂBENİN MEDHİ HAKKINDA

31 yime tört işiṅge ıḍur men sẹlam
32 olardın usanmaḳ ḳaçan ol maṅga

33 ʿạtiḳ birle faruḳ üçünç ẓi ʾn-nurẹyn
34 ʿạli törtilençi ol ersig toṅga

35 kim erse bu tört işke beḍ iʿtiḳad
36 tutar erse miṅg lạʿn ıḍur men aṅga

37 ịlahi keçürgen iḍim sen keçür
38 neçe me ḫạṭalığ ḳul ersem saṅga

39 maṅga bolsa fạżlıṅg ḳutuldı özüm
40 ẹgẹr bolsa ʿạdliṅg ḳatığlıḳ maṅga

## IV.

## BÜYÜK EMÎR MUHAMMED DÂD İSPEHSÂLÂR BEY 'İN MEDHİ HAKKINDA

41 aya til törüt mẹdḥ ötüngil ḳanı
42 men artut ḳılayın şahımḳa anı



43 şahım mẹdḥı birle bezeyin kịtab
44 oḳığlı kişininḡ sevinsün canı

45 ögü bilmez erke ögüt ögretür
46 anınḡ bịrr u cudı bẹdiᶜ iḥsanı

47 ol ol ᶜạḳl uḳuş huş ḫịrẹdḳa mẹkan
48 bilig mạᶜdịni hẹm fạżilẹt kanı

49 sịmaktin ẹdizrek tutar hịmmẹt ol
50 sẹḫası mẹkarịm iki dẹrmanı

51 rẹᶜịyyẹtḳa müşfiḳ sẹlim til ḥạlim
52 vẹlikịn buşarda şẹra arslanı

53 ṣạlabẹt içinde ᶜụmẹr teg erip
54 sẹḫavẹt sẹmaḥạt tutar ᶜụṣmanı

55 tetiklikte kendü ayastın ozup
56 dad ịnṣaf tutar çın anuşirvanı

57 anınḡ bạḫşişindin bulıt uvtanur
58 bu sözni bütün çın tutar dụşmanı

59 aya şahım erdemlerin sanağan
60 sanarmu ẹdiz ḳum uşaḳ taş sanı

61 sịyasẹt rịyasẹt kịyasẹt kẹrẹm
62 zịyadẹt ula ᶜạdl eşit ụḳ munı

63 yime mẹcd mürụvvẹt fụtụvvẹt uğan
64 ᶜạṭaᵓ ḳıldı şahımḳa bu cụmle‧ni

65 öküş az tip aymaz pẹzirler tenḡiz
66 bulıt hẹdye‧ ḳılsa uşaḳ ḳạṭre‧ni

67 tenḡizdin kẹrimrek şahım minḡ ḳata
68 ḳạbul ḳılsa tanḡ yoḳ bu az hẹdye‧ni

## V.

## KİTABIN YAZILMASI HAKKINDA

69 dad ịspẹhsalar beg üçün bu kitip
70 çıḳardım ajunda atı ḳalsu tip

71 kịtabımnı körgen eşitgen kişi
72 şahımnı dụᶜa‧ birle yad ḳılsu tip

73 anınḡ vụddı birle könḡüller tolup
74 anınḡ yadı birle ajun tolsu tip



kiḍinki keligli kişiler ara
anın͡g ẓịkri tan͡gsuḳ eḍiz bolsu tip

bezedim kịtabnı nẹvadịr sözün
baḳığlı oḳığlı asığ alsu tip

bölek ıḍdım anı şahımḳa men ök
hạvadarlıḳımnı tükel bilsü tip

VI.

## BİLGİNİN FAYDASI VE BİLGİSİZLİĞİN ZARARI HAKKINDA

biligdin urur men sözümke ula
biligligke ya dost özün͡gni ula
bilig birle bulnur sạᶜadẹt yolı
bilig bil sạᶜadẹt yolını bula

bạhalığ dinar ol biliglig kişi
bu cahịl biligsiz bạhasız bişi
biliglig biligsiz ḳaçan ten͡g bolur
biliglig tişi er cahịl er tişi

sün͡gekke yilig teg erenke bilig
eren körki ᶜạḳl ol sün͡geknin͡g yilig
biligsiz yiligsiz sün͡gek teg ḥali
yiligsiz sün͡gekke sunulmaz elig

bilig bildi boldı eren belgülüg
biligsiz tirigle yitük körgülüg
biliglig er öldi atı ölmedi
biligsiz tirig erken atı ölüg

biliglig birin͡ge biligsiz min͡gin
ten͡gegli ten͡gedi bilignin͡g ten͡gin
baḳa körgil emdi uḳa sınayu
ne nen͡g bar bilig teg asığlığ ön͡gin

bilig birle ᶜalịm yoḳar yoḳladı
biligsizlik erni çökerdi ḳoḍı
bilig yind usanma bil ol ḥaḳ rẹsul
bilig çinde erse siz arḳan͡g tidi

105 biliglig biligni ẹdergen bolur
106 bilig tatğın ay dost biliglig bilür
107 bilig bildürür bil bilig ḳạdrini
108 biligni biligsiz otun ne ḳılur

109 biligsizke ḥạḳ söz tatığsız erür
110 añgar pẹnd nạṣiḥạt asığsız erür
111 ne türlüg arığsız arır yumaḳın
112 cahịl yup arımaz arığsız erür

113 biliglig kişi kör bilür iş ödin
114 bilip iter işni ökünmez kiḍin
115 ḳamuğ türlüg işte biligsiz oñgı
116 öküñç ol añgar yoḳ oñg anda aḍın

117 biliglig kereklig sözüg sözleyür
118 kereksiz sözini kömüp kizleyür

119 biligsiz ne aysa ayur uḳmadın
120 anın öz tili öz başını yiyür

121 bilig birle bilnür törütgen iḍi
122 biligsizlik içre ḳanı ḫ̣ayr yidi
123 bilig bilmegendin bir ança buḍun
124 öz elgin bụt itip iḍim bu tidi

125 biliglig sözi pẹnd nạṣiḥạt ẹdẹb
126 biligligni ögdi ʿạcẹm hẹm ʿạrạb
127 tav̂arsızḳa bilgi tükenmez tav̂ar
128 nẹsẹbsızḳa bilgi yirilmez nẹsẹb

## VII.

## DİLİN MUHAFAZASI HAKKINDA

129 eşitgil biliglig negü tip ayur
130 ẹdẹbler başı til küḍezmek tiyür

131 tilin͠g bekte tutġıl tişin͠g sınmasun
132 ḳalı çıḳsa bektin tişin͠gni sıyur

133 sanıp sözlegen er sözi söz saġı
134 öküş yan͠gşaġan til unulmaz yaġı
135 sözün͠g boşlaġ ıḍma yıġa tut tilin͠g
136 yeter başḳa bir kün bu til boşlaġı

137 ẖirẹdlıġmu bolur tili boş kişi
138 telim başnı yidi bu söz til boşı
139 öçüktürme erni tilin bil bu til
140 başıḳtursa bütmez büter oḳ başı

141 sẹfih er tili öz başı dụşmanı
142 tilindin töküldi telim er ḳanı
143 öküş sözlegende öküngen telim
144 tilin beklegende ökünmiş ḳanı

145 ne kim kẹlse erke tilindin kelür
146 tilindin kim eḍgü kim isiz bolur
147 eşit büt bu sözke ḳamuġ tan͠gda tẹn
148 turup tilke yüknüp tạżạrrụᶜ ḳılur

149 iki nen͠g birikse bir erde ḳalı
150 bükendi ol erke mụrụvvẹt yolı
151 bir ol yan͠gşar erse kereksiz sözüg
152 ikinç yalġan erse ol ernin͠g tili

153 tili yalġan erdin yıraḳ tur teze
154 keçür sen me ᶜụmrün͠g könilik öze
155 aġız til bezeki köni söz turur
156 köni sözle sözni tilin͠gni beze

157 küḍezgil tilin͠gni kel az ḳıl sözün͠g
158 küḍezilse bu til küḍezlür özün͠g
159 rẹsul erni otḳa yüzin atġuçı
160 til ol tidi yıġ til yul ottın yüzün͠g

161 köni söz ᶜạsẹl teg bu yalġan bạṣạl
162 bạṣạl yip açıtma aġız yi ᶜạsẹl
163 bu yalġan söz ig teg köni söz şịfaʾ
164 bu bir söz ozaḳı urulmış mẹsẹl

165 köni bol könilik ḳıl atan köni
166 köni tiyü bilsün kişiler sini
167 könilik tonın keḍ ḳoḍup egrilik
168 keḍim ton talusı könilik tonı



169 ḳatığ kizle razıñg kişi bilmesün
170 sözüñgdin özüñgke öküñç kelmesün
171 ḳamuğ yaşru işiñg bolup aşkara
172 bu körgen eşitgen sañga külmesün

173 işim tip ınanıp sır ayma saḳın
174 neçe me ınançlığ iş erse yaḳın
175 serip sinde razıñg siñgip turmasa
176 serermü işiñgde munı keḍ saḳın

## VIII.

## DÜNYANIN DÖNEKLİĞİ HAKKINDA

177 bu ajun rıbaṭ ol tüşüp köçgülüg
178 rıbaṭḳa tüşügli tüşer keçgülüg
179 öñg arḳış uzadı ḳopup yol tutup
180 öñgi ḳopmış arḳış neçe kiçgülüg

181 bu dụnya soñgında yügürmek neçe
182 ḥasis neñgdin ötrü tip özüñg küçe
183 nelük malḳa munça köñgül bamaḳıñg
184 bu mal kelse erte barur baz kiçe

185 köñgüldin çıḳarğıl tav̂ar suḳluḳın
186 keḍim birle tap tut ḳarın toḳluḳın
187 çığaylıḳ yarınlıḳ azuḳ yoḳluḳı
188 çığaylıḳ tip ayma tav̂ar yoḳluḳın

189 bu dụnya neñgindin yigü keḍgülük
190 al artuḳ tileme vẹbal yüḍgülük
191 tarığlıḳ tip aymış ajunnı rẹsul
192 tarığlıḳta ḳatlan tarı eḍgülük

193 bẹḳasız erür bu ajun lẹẓẓẹti
194 keçer yil keçer teg mẹze müddẹti

195 yigit ḳoca bolur yaṅgı eskirür
196 ḳạvi erse ḳamlur ḳaçar ḳụvvẹti

197 bu kün bar yarın yoḳ bu dụnya neṅgi
198 meniṅg timişiṅg neṅg adınlar oṅgı
199 ḳamuġ tolġan irlür tükel eksiyür
200 ḳamuġ abadannıṅg ḫạrab ol soṅgı

201 neçe yir bar erdi sıġışmaz eri
202 eri bardı ḳaldı ḳuruġ tek yiri
203 neçe ʿalịm erdi neçe fẹylẹsuf
204 ḳanı bu kün olar miṅginde biri

205 ajun külçirer baz alın ḳaş çatar
206 bir elgin tutup şẹhd birin zẹhr ḳatar
207 ʿạsẹl tatrup ilkin tamaḳ tatıtıp
208 kiḍinrek ḳạdạḥḳa sunup zẹhr ḳatar

209 süçüg tattıṅg erse açıġḳa anun
210 biriṅ kelse raḥạt kelür rẹnc onun
211 aya ġạm ḳatıġsız sụrur umġuçı
212 bu ajun ḳaçan ol umınçḳa orun

213 yılan teg bu ajun yılan oḳlaġu
214 yoḳamaḳḳa yumşaḳ içi pụr aġu
215 yılan yumşaḳ erken yavuz fịʿl iter
216 yıraḳ turġu yumşaḳ tip azılmaġu

217 bu ajun ma körmekke körklüg taşı
218 vẹlikịn içinde tümen na-ḫoşı
219 baḳıp taş bezekin körüp sen muṅga
220 köṅgül bamaḳıṅg bil ḫạṭaʾlar başı

221 nịḳab kötrür ajun birer yüz açar
222 yazar ḳol ḳuçar teg yana terk ḳaçar

223 yayınḳı bulıt teg ya tüş teg ḫali
224 dịrẹngsiz keçer bạḫt ya ḳuş teg uçar

## IX.

## CÖMERDLİĞİN MEDHİ VE HASİSLİĞİN ZEMMİ HAKKINDA

225 aya dost biliglig izin izlegil
226 ḳalı sözleseñg söz bilip sözlegil
227 aḳı erni öggil öger erse sen
228 bạḫılḳa ḳatıġ ya oḳun kezlegil

229 ḳamuġ til aḳı er s̱ẹnasın ayur
230 aḳılıḳ ḳamuġ ʿạyb kirini yuyur
231 aḳı bol sañga söz sökünç kelmesün
232 sökünç kelgü yolnı aḳılıḳ tıyur

233 egilmez köñgülni aḳı er eger
234 tegilmez mụradḳa aḳı er teger
235 bạḫıllıḳnı ḳanı öger til ḳayu
236 aḳılıḳnı ʿam ḫaş tözü ḫạlḳ öger

237 aḳı er biligni yete bildi kör
238 anın sattı malın s̱ẹnaʾ aldı kör
239 tirildi ulamsız ulamı bolup
240 ajunda at eḍgü ḳoḍup bardı kör

241 bạḫıl tirdi zẹr sim ḫạramdın öküş
242 vẹbal kötrü bardı özele söküş
243 ülüş boldı malı kişiler ara
244 bạḫıl aldı anda öküncṭin ülüş

245 aya mal iḍisi aḳı eḍgü er
246 bayat birdi erse san͠ga sen me bir
247 yirilgen sökülgen tirip birmegen
248 tirip birür ersen͠g neçe tirse tir

249 ṭạbiʿạtta yigi ʿadẹt ʿạybsuzı
250 aḳılıḳ erür bil bụḫụl körksüzi
251 eliglerde ḳutluġ birigli elig
252 alıp birmegen ol elig ḳutsuzı

253 bạḫıllıḳ otalap on͠gulmaz ig ol
254 birimdin bạḫıl elgi keḍ berklig ol
255 tirip kön͠gli toḍmaz közi suḳ bạḫıl
256 ḳul ol malḳa malı an͠ga erklig ol
257 bu buḍun talusı aḳı er turur
258 aḳılıḳ şẹrẹf cah cẹmal arturur
259 sev̇ilmek tilesen͠g kişiler ara
260 aḳı bol aḳılıḳ sini sev̇dürür

261 bạḫıl nakẹs otun tav̇ar pasbanı
262 yığar yimez içmez tutar berk anı
263 taturmaz eseninde tuz dostın͠ga
264 ölür ḳalur aḫır yiyür dụşmanı

## X.

## TEVÂZÛ VE KİBİR HAKKINDA

265 yana bir kereklig sözụm bar san͠ga
266 ayayın men anı ḳulaḳ tut man͠ga
267 ol ol kim tẹkẹbbụrni yirdin salıp
268 tẹvazụʿnı berk tut yapuş keḍ an͠ga

269 tẹkẹbbụ̈r ḳamuġ tilde yirlür ḳılıḳ
270 ḳılıḳlarda eḍgü ḳılıḳ ḳoḍḳılıḳ
271 ol er kim uluġsındı men men tidi
272 anı ne ḫalayıḳ sever ne ḫaliḳ

273 ḳamuġ ḳazġanıġlı ajun malını
274 yiyümedi bardı körüñg ḫalini
275 tişisi ḳalıp bir aḍın er bile
276 ol anda yatıpan birür sanını

277 tẹkẹbbụ̈r lịbasın keḍip tap salın
278 kerip ḫalḳḳa kögzüñg tap uslan tilin
279 mụ̈'mịnlıḳ nịşanı tẹvazụ' erür
280 ẹgẹr mụ̈'mịn erseñg tẹvazụ' ḳılın

281 tẹvazụ' ḳılıġlını kötrür iḍi
282 tẹkẹbbụ̈r tutar erni kemşür ḳoḍı
283 uluġsınma zinhar uluġ bir bayat
284 uluġluḳ meniñg siz alınmañg tidi

285 tavar birle erse uluġsınduḳuñg
286 uluġluḳ taparu elig sunduḳuñg
287 tavar asġı ne ol barur sen yalıñg
288 ḳalur munda kiḍin sẹpẹd ṣanduḳuñg

289 ẹgẹr kịbr iḍisi aṣil men tise
290 ayayın men anıñg cẹvabın kese
291 ata bir ana bir uyalar bu ḫalḳ
292 tẹfavụ̈tleri yoḳ öte irtese

## XI.

## HARİSLİK HAKKINDA

293 yime pẹndim al kel uzatma ẹmẹl
294 ẹmẹl asrasında busuğlı ẹcẹl
295 ẹmẹl timişim dost uzun sanmaķ ol
296 uzun sanma saķınç öküş ķıl ʿạmẹl

297 ayur sen keḍim ton şẹrab aş kerek
298 telim mal öküş ķul ķara-baş kerek
299 ẹgẹr yığdıñg erse ʿụmụrluķ tav̂ar
300 burun başķa börkni keḍer baş kerek

301 ḥạrişlıķ ma erke yav̂uz ḫạşlẹt ol
302 ḥạrişlıķ soñgı ğ̣ạm öküņç ḥạsrẹt ol
303 bu baylıķ çığaylıķ iḍi ķịsmẹti
304 ḥạrişlıķ tek erke ķuruğ zạḥmẹt ol

305 ḥạriş toḍmaz ajun neñgini tirip
306 ḥạrişlıķ ķarımaz iḍisi ķarıp
307 ḥạrişlıķnı ķoḍur ḥạriş er ķaçan
308 ölüp yatsa topraķ içiñge kirip

309 ḥạriş tirip armaz usanmaz bolur
310 ḥạrişlıķ igininġ emin kim bilür
311 ḫạbẹr bar birilse ẹgẹr adẹmi
312 iki ķol dinar ma ol üç ķol ķolur

313 aya ḥịrṣ iḍisi ḥạrişlıķ nerek
314 ayu bir mañga bu negüke kerek
315 tar erse kiñg erse bitildi ruzuñg
316 ḥạrişlıķ ķılurmu munı eḍgürek

## XII.

## KEREM, HİLM VE DİĞER İYİLİKLER HAKKINDA

317 köki körklüg erniñg ḫuyı körklüg ol
318 bu körklüg ḳılıḳḳa köñgül örklüg ol
319 bir erdin bir erke tẹfavụt telim
320 vẹlikịn körerke tözü börklüg ol

321 bütün ḳılḳı fịʿlin öte irtegil
322 kẹrẹm kimde erse anı er tigil
323 yimişsiz yıġaç teg kẹrẹmsiz kişi
324 yimişsiz yıġaçnı kesip örtegil

325 mụsụlmanḳa müşfiḳ bolup mịhrịban
326 sañga sanduḳuñg teg mụsụlmanḳa san

327 cẹfa ḳıldaçıñgḳa yanut ḳıl vẹfa
328 arımaz neçe yusa ḳan birle ḳan

329 yaraġlıġ aşıñgnı kişike yitür
330 yaraġ bulsañg opraḳ yalıñgnı bütür
331 küç emgek tegürme kişike ḳalı
332 sañga tegse emgek kişidin kötür

333 isiz ḳılġan erke sen eḍgü ḳıla
334 kẹrẹmniñg başı bu erür keḍ bile
335 ẹgẹr kelse erdin sañga eḍgülük
336 öküş ḳıl ol erniñg s̱ẹnasın tile

337 yazuḳluġ kişiniñg yazuḳın keçür
338 ʿạdavẹt kökini ḳazıp sen köçür
339 yalınlansa tutnup ġạżạb ḥịkd otı
340 ḥạlimlıḳ suv̂ın saç ol otnı öçür

341 kẹrẹm bir bịna teg añgar ḥịlm ul ol
342 ya bustan teg ol ḥịlm kẹrẹm al gül ol
343 yıḳıḳlıġḳa tirep kesüklüg ula
344 bu itiglig erke azad öz ḳul ol

345 küḍezgil aya dost uluġlar ḥạḳın
346 asıġsız mizaḥ hẹm cẹdẹldin saḳın
347 uluġlarnı buşrup sañga bu mizaḥ
348 kiçiġlerni kụ̈staḥ ḳılur bil yạḳin

349 bẹla kelse ṣạbr it fẹrạḥḳa küḍüp
350 küḍüp tur fẹrạḥḳa bẹla rẹnc yoḍup
351 öçer mịḥnẹt otı keçer nẹvbẹti
352 ḳalur ṣạbr iḍisi s̱ẹvabın yüḍüp

353 uluġluḳḳa tegseñg yañgılma özüñg
354 ḳalı keḍseñg aṭlạs unıtma bözüñg
355 uluġ bolduḳuñgça tüzünrek bolup
356 uluġḳa kiçigke sılıġ ḳıl sözüñg

357 uḳup sözle sözni ivip sözleme
358 sözüñg kizle kiḍin başıñg kizleme
359 miñg er dostuñg erse öküş körmegil
360 bir er dụşman erse anı azlama

361 neçe tetik erdin birer sẹhv kelür
362 neçe pụr hụnẹrlığda bir ʿạyb bolur
363 bu bir ʿạybdın ötrü başın kesgüçi
364 ajunda tirilgü kişisiz ḳalur

365 tiril ẹdgü fịʿlin köñgüller alıp
366 isizliktin özni sıñgaru salıp
367 iter bolsañg işni sanıp saḳnıp it
368 kerekmü kereksizmü kirtü bilip

369 ne iş utru kelse añga kẹd baḳın
370 ol işniñg öñgini soñgını saḳın
371 sevinç erse kiḍin köñgül tut añga
372 öküne erse andın ozaraḳ saḳın

373 eren ḫạyrı şẹrri küsep keçmez ol
374 isiz ẹdgü işke yanut kiçmez ol
375 aya ẹdgü umġan isizlik ḳılıp
376 tiken ẹdlegen er üzüm biçmez ol

377 işi ẹdgü bolsa er ẹdgü bolur
378 er iş ẹdgüsindin öküş ḫạyr bulur
379 isizke yavuma isiz ṣụḥbẹti
380 sini terkin isiz ḳılıḳlıġ ḳılur

## XIII.

## ZAMÂNENİN BOZUKLUĞU HAKKINDA

381 mẹcaz boldı dostluḳ ḥạḳiḳạt ḳanı
382 miñger dostta biri bulunmaz köni
383 öküşrek kişiniñg içi ġạdr erür
384 köni dostuñg erse taşı bil munı



385 bu kün bu ajunda kişilik isiz
386 ḳanı ḳança bardı kişilik isiz
387 vẹfa köli suğlup ḳurup yulları
388 cẹfa toldı taştı teñgizdin ẹdiz

389 ḳanı ʿạhd ẹmanẹt ḳanı ẹdkülüg
390 kịdin künde ḫạyr iş me kötrülgülüg
391 başı bardı ḫạyrnıñg soñgı barğusı
392 öñgi keldi şẹrrniñg soñgı kelgülüg

393 ajun toldı ʿụdvan cẹfa cẹvr bile
394 ḳanı bir vẹfalıġ bar erse tile
395 sen artaḳ sen anın ajun artadı
396 nelük bu ajunḳa ḳılur sen gịle.

397 ġạrib erdi ịslam ġạrib boldı baz
398 ʿịbadẹt rịya boldı ʿabịd mẹcaz
399 ḫạrabat oramı bolup abadan
400 ḫạrab boldı mẹscịd buḍun bi-nẹmaz

401 ʿạmẹl ḳoḍdı ʿalịm vẹ zahịd vẹrạʿ
402 ʿarịf rạḳṣ çıḳarıp iter ḫoş sẹmaʿ
403 bịdạʿtın yığığlı kişi ḳalmadı
404 anın künde arta turur bu bịdạʿ

405 ḳanı ẹmr-ụ mạʿruf ḳılur ẹdgü er
406 ḳanı kendü eḍgü kişi turğu yir
407 yirer sen zạmanañgnı ḫạlḳın ḳoḍup
408 zạmanañgnı yirme kişisini yir

409 kim ol yüzçi erse kişi yigi ol
410 kerek erse yiglik yorı yüzçi bol
411 kim ol yolluġ erse anıñg yolı yoḳ
412 kim ol yolsuz erse añgar kiñgrü yol

413 aya artaḳ işlig sevinçin salın
414 seniñg ruzgarıñg bu köñgülçe ḳılın
415 tilekçe tiril inç farịġ ḳaḍğusuz
416 ne yirke yığar baz sini ne tilin

417 uv̇ut yitti yindip bulunmaz yıḍı
418 ḥalal yigli ḳanı körünmez boḍı
419 ḥalal kendü ḳayda bu kün ḳanı kim
420 ḥaramnı yiyürde ḥaram tip yidi

421 buḍun mallıġ erke urup yüzlerin
422 tözü ḳul ḳılurlar azad özlerin
423 kim ol malsız erse ol erni körüp
424 yüz ev̇rüp keçerler yumup közlerin

425 aya malḳa suḳ er yaḳin bil bu mal
426 bu kün ḳaḍġu saḳınç yarın yük vebal
427 ḥaram erse malıñg ʿaẓab ol soñgı
428 ḥisab ol eger bolsa malıñg ḥalal

429 nelük malḳa munça suḳ ol bu özüñg
430 köñgülde ġamıñg ol tiliñgde sözüñg
431 barur sen bu malıñg yaġıñgḳa ḳalur
432 uyaḍıp birürler sarınġu özüñg

433 seniñg malıñg ol mal aşındurduḳuñg
434 sañga ḥasret ol tek tutup turduḳuñg
435 bu kün kendü süçüg bu tirmek sañga
436 açıġ bolġa yarın ḳoḍup barduḳuñg

437 bu ajun mezesi ḳatıġlıġ meze
438 izası öküşrek mezesi aza
439 ʿasel ḳayda erse bile arısı
440 arı zehri tatġu ʿaseldin oza

441 hünerlığka ajun vefasızrak ol
442 hünersızka mundın cefa azrak ol
443 hüner birle devlet birikmekliki
444 bulunmaz kamuğ kızda ol kızrak ol

445 ne yazdı ajunka bu şahib hüner
446 negüke bu anı ulaşu kınar
447 hasislerni kötrüp nefisni çalıp
448 azu kutsuz ajun karıpmu munar

449 aya hukmin ajun tapa üggüçi
450 yirip munı birer yana öggüçi
451 uğan hukmi birle kelür kelgen iş
452 anıng emri birle teger teggüçi

453 ajunka bu söküş melamet nelik
454 kazalar yorıtğan yaratğan melik
455 kaza birle sançlur adakka tiken
456 kaza birle ilnür tuzakka elik

457 kamuğ tegdeçi neng kazadın erür
458 ukuşsuzlar anı sebebdin körür
459 kaza birle uçğan kalık kuşları
460 karıka konar hem kafeska kirür

461 kaza kelse yügrük yügürmez urup
462 kaza kaytarılmaz katığ ya kurup
463 sanga renc anga genc birigli uğan
464 ceza[c] kılma ya renc idisi tarup

## XVI.

## KİTAB SÂHİBİNİN ÖZRÜ HAKKINDA

465 bitidim kitabnı meva[c]iz mesel
466 okısa tatır til yimiş teg [c]asel
467 kim erse bu sözke adınlar sözin
468 teng ese tenggedi dürüstka bedel

469 edib ahmed atım edeb pend sözüm
470 sözüm munda kalur barur bu özüm

471 kelür küz keçer yaz barur bu ᶜụmụr
472 tüketür ᶜụmụrni bu yazım küzüm

473 anın uş çıḳardım bu türki kịtib
474 kerek ḳıl tap ey dost kerek ḳıl ịtib
475 bitidim bu tañgsuḳ ṭụrạf sözlerin
479 ḳalı barsa özüm sözüm ḳalsu tip

477 anın uz erür bu kịtab bir süzük
478 talulap ketürdüm kemiştim çözük
479 nẹvadịr süzük az bolur hẹzl öküş
480 çuz aṭlạs bolur ḳız uçuzı böz ök

481 aya minde kịdin keligli munı
482 oḳısañg dụᶜada unıtma mini
483 sañga hẹdye. ḳıldım bu tañgsuḳ sözüm
484 mañga hẹdye. Bḳılsu dụᶜa tip sini

I.

## EDİB AHMED HAKKINDA

**( Müellifi Mechûl )**

485 toğa körmez erdi ẹdibniñg közi
486 tükedi bu on tört bab içre sözi
487 yağan bolsa yüklüg özesinde zẹr
488 anıñg tuşı bolğay bu söznüñg azı

II.

## EDİB AHMED HAKKINDA

**( Emîr Seyfeddin )**

489 ẹdibler ẹdibi fażịllar başı
490 gühẹrdin söz aymış ögün söz bışı
491 uğan rạḥmẹt itsün bu saᶜạt añga
492 yarın ḳopsa bolsun yaranlar işi

# III.

## EDİB AHMED HAKKINDA

( Büyük Emîr Arslan Hoca Tarhan )

493 ẹdibniñg yiri atı yüknek erür
494 ṣạfalıġ ʿạcẹb yir köñgüller yarur

495 atası atı mạḥmud-ị yükneki
496 ẹdịb mạḥmud oġlı yoḳ ol hiç şẹki

497 kịtabınıñg atı erür ʿạtbẹtụ 'l-
498 ḥạḳayịḳ ʿịbarẹt ʿạrạbdın ụşul

499 tạmamı erür kaşġạri til bile
500 ayıtmış ẹdib rịḳḳạt-i dịl bile

501 ẹgẹr bilse kaşġạr tilin hẹr kişi
502 bilür ol ẹdibniñg ne kim aymışı

503 kişi tilni bilse bilür mạʿnisin
504 bilür men tise ʿạyb özi bilmesin

505 köp ilni körür biz ẹdib sözini
506 bile bilmegendin ular özini

507 ʿạyịbḳa ḳoyuptur ḥạlayịḳ ara
508 ġạlạṭ mạʿnilerni ayıtmış yana

509 sẹbẹb erdi bu iş bitidük kịtab
510 kerek ḳıl ịcabẹt kerek ḳıl ʿịtab

511 bilip tutsa hẹr kim ẹdibniñg sözin
512 ḥạlayịḳ ara ol güzinler özin

# چئویرمه بؤلومو

# عتبه الحقایق

## تانرینین مدحی حقینده (۱)

۱. تانریم (همیشه) سنه چوخ حمد ائده‌رم

۲. (همیشه) رحمتیندن خئیر اومارام

۳. دیلیم ثنای (سنه) لایق بیرشکیلده سویله‌یه بیلرمی؟

۴. اولان قدرتیمله سویله‌ییرم منه یاردیم ائت.

۵. جانلی، جانسیز اوچان و سورونن (هر) شی

۶. سنین وارلیغینا شهادت وئره‌ر

۷. سنین بیرلییینه دلیل آختاران (کیمسه)

۸. بیرتک ششیده مینلرجه دلیل گوره‌ر

۹. یوخ‌ایدیم یاراتدین، یئنه یوخ ائدیب

۱۰. تکراراً وار ائدرسن؛ بونو اقرار ائدیرم

۱۱. ای شوبهه یولوندا سیغینیب اویان (یاتان)

۱۲. گل اولمه‌دن اوزونو آتشدن قورتار

۱۳. او قادر (تانری سنین) گئجه‌نی و گوندوزونو یاراتدی

۱۴. (بونلار) بیر بیرینه باغلانیب بیر - بیرینین آردینجا گئلدیرلر

۱۵. گونو آپاریب گئجه‌نی گتیریر

۱۶.گئجه‌نی آپاریب، تکرار سحری ایشقلاندیریر

۱۷. او دیریلری اولدوردوغوکیمی، اولولری ده دیریلدیر

۱۸.گوره‌رسن بونو یاخچی بیل

۱۹. او قدرت صاحیبی بویوک بیر الله‌دیر

۲۰. اولولری دیریلتمک اونون اوچون ساده بیرایشدیر

## پیغمبرین مدحی حقینده (۲)

۲۱. ایندی پیغمبرین فضلیندن بیر نئچه سوز دینله:

۲۲. آغیل و دقتینی بیلیب، سوزومو آنلاماغاچالیش

۲۳. او یارادیلانلارین (آن) سئچیلمیشی و انسانلارین آن مقدسی‌دیر

۲۴. بیل‌کی، یارادیلانلار آراسیندا اونا تای و برابری یوخدور.

۲۵. رسوللار نورانی اوزدورلر، او ایسه بواوزلرین گوزودور

۲۶. یاخود اونلار آل یاناقدیر، او ایسه بویاناغین شهدی‌دیر

۲۷. اونون مدحیندن آغزیم دادلانیر

۲۸. اونون یادی دیلیم اوچون، شکر و بالدیر

۲۹. سحر دردە دوشرم اگر آلیمدن توتاجاق اولان

۳۰. او (رسوله) بوگون مندن صلاة و سلام یئتیشسین

## دورد صحابه‌نین مدحی حقینده (۳)

۳۱. یئنی (اونون) دورد آرخاداشینا سالام گوندریره‌م (رسولون)

۳۲. اونلاری (آنلاماقدان) هئچ؛ بیرزامان اوسانمام

۳۳. (بیری) صادق، (دیگری) فاروق اوچونجوسو زین‌النورین

۳۴. (و) دوردونجوسو ایگید و قهرمان علی دیر

۳۵. کیم (اونون) بودورد آرخاداشینا پیس اعتقاد بسلرسه

۳۶. اونا مین (کره) لعنت ائده‌رم

۳۷. تانریم، سن باغیشلایان رَبّیمسن، سنین قارشیندا

۳۸. نه قده‌ر گناهکار قول اولسام، منی باغیشلا

۳۹. فضیلتین اولارسا نفسیم قورتولار

۴۰. اگر عدالتین اجرااولارسا بو منیم اوچون فلاکت اولار

## بویوک امیر محمّد دادسپهسالار بَیین حقینده (۴)

۴۱. ای دیل، مدحیلر یاراد و سویله اونو

۴۲. من اونلاری شاهیما ارمغان ائدیم

۴۳. کیتابی شاهیمین مدحی ایله سویله‌دیم

۴۴. اوخویان آدامین حالی آچیلسین

۴۵. اونون یاخچیلیغی، جومردلیغی و برابر سیز احسانی

۴۶. مدح ائتمه‌سینی بیلمه‌ین کیمسه‌نی دیله گتیریر

۴۷. او آغیل، آنلایش، شعور و ذکاء مکانی

۴۸. بیلگی اوجاغی و فضیلت قایناغی دیر

۴۹. او همتی سماجتدن داها اوستون توتار

۵۰. جومردلیغی و کرمی ایکی درماندیر (اونون)



۵۱. او رعیتلره قارشی شفقتلی، دوغرو ویوموشاق دیللی دیر

۵۲. فقط هدایت لندیغی زامان شره ارسلانی کسیلر

۵۳. او متانت ده عمر کیمی‌دیر

۵۴. جومردلیکده عثمانا بنزه‌ر

۵۵. او فتانت‌ده آیازی گئچر

۵۶. عدالت‌ده، حقانیت‌ده واقعی بیر انوشیرواندیر

۵۷. اونون احسانی قارشیسیندا بولودلار اوتانار

۵۸. بوسوزون دوغرولوغونو دوشمنلریده اعتراف ائده‌ر

۵۹. ای شاهیمین فضیلت‌لرینی سایان (کیمسه)

۶۰. صحرا داکی قوم و بالاجا داشلارساینا گلیرم

۶۱. سیاست، ریاست، کیاست، کرم و (بونلارا)

۶۲. عدالتی دستکله، بونلاری ائشید وآنلا

۶۳. بیرده شرف، انسانیت و مردلیک بیلنلرین هامیسینی

۶۴. قادر (الله) شاهیما احسان ائتدی

۶۵. بولودبیر خیردا قطره‌ده هدیه ائتسه، دنیز ـ

۶۶. آز و یا چوخ دئمه‌دن بونو قبول ائده‌ر

۶۷. شاهیم دنیزدن‌مین مرتبه کریمدیر

۶۸. بو بالاجا هدیه‌نی قبول ائدرسه، حیرت ائتمه‌مک لازمدیر

**کیتابین یازیلماسی حقینده (۵)**

۶۹. دادسپهسالار بی اوچون بوکیتابی یازدیم‌کی،

۷۰. دونیادا (اونون) آدی‌قالسین

۷۱. کیتابیمی گوره‌ن (یاخود) ائشیدن (هر) کس

۷۲. شاهیمی دوعا ایله یاد ائتسین

۷۳. کونوللر اونون سئوگیسی ایله و

۷۴. دونیا اونون یادی ایله دولسون

۷۵. (بیزدن) سونراگلن انسانلار آراسیندا

۷۶. اونون خاطره‌سی حسرتله قیداولسون و یوکسک اولسون

۷۷. گوره‌ن و اوخویان استفاده ائتسین دئیه

۷۸. کیتابی نادر سوزلر ایله بزه‌دیم

۷۹. من اونو شاهیما باغلیلیغیمین بیر -

۸۰. نشانه‌سی اولسون دئیه، هدیه گوندردیم

## بیلگینین فایداسی و بیلگیسیزلیین ضرری حقینده (۶)

۸۱. بیلگیدن سوزومه تمل آتارام

۸۲. ای دوست، عالیم اولماغا چالیش

۸۳. سعادت یولو بیلگی ایله بیلینیر

۸۴. بیلگی آلده ائت و سعادت یولونو بیل

۸۵. بیلگیلی انسان ـ قیمتلی دینار دیر

۸۶. سوادسیز و بیلگیسیز (آدام) ـ ده‌یرسیز بیر آغچادیر

۸۷. بیلگیلی ایله بیلگیسیز مساوی اولورمی؟

۸۸. بیلگیلی دیشی (مؤنث) ـ ارکک (مذکر) و جاهیل ارکک ـ دیشیدیر

۸۹. سوموک اوچون ایلیک نه‌دیر، انسان اوچون بیلگی اودور

۹۰. انسانین زینتی آغیلدیر سومویونکی ایسه ایلیکدیر

۹۱. بیلگیسیز (کیمسه) ایلیکسیز سوموک کیمی بوشدور

۹۲. ایلیکسیز سومویه کیمسه اَل اوزاتماز

۹۳. انسان بیلگیسی ایله تانینار

۹۴. بیلگیسیز یاشادیغی زاماندا، یوخ کیمی‌دیر

۹۵. بیلگیلی آدام اولور، آدی قالیر

۹۶. بیلگیسیز ساغ ایکن آدی اولودور

۹۷. بیلگینین آغیرلیغینی چکن کیمسه‌یه گوره، بیر بیلگیلی

۹۸. مین بیلگیسیزدن اوستوندور

۹۹. ایندی آنلایاراق و سینایاراق، اطرافا باخ بیر

۱۰۰. بیلگی قده‌ر فایدالی باشقانه‌وار؟

۱۰۱. عالیم بیلگی ایله یوکسلیر

۱۰۲. بیلگیسیزلیک انسانی دوشورور

۱۰۳. بیلگینی آرا، اوتانما؛ بیل‌کی، او حق رسول: ـ

۱۰۴. بیلگی چینده اولسادا، آرایین اویره‌نین دئدی

۱۰۵. بیلگینی دایما بیلگی ایله آرا

۱۰۶. بیلگینین دادینی، ای دوست بیلگیلی بیلیر

۱۰۷. بیل‌کی، بیلگینین قدەرینی یئنی بیلگی بیلدیرەر

۱۰۸. بیلگیسیز آدام بیلگیلییەنە ائدر؟

۱۰۹. بیلگیسیز دوغروسوز دادسیز اولار

۱۱۰. اونا اویود و نصیحت فایداسیز دیر

۱۱۱. نئجه کیرلی (کثیف) شئیلر یوماقلا تمیزلنیر

۱۱۲. آنجاق سوادسیز (جاهیل) یوماقلاتمیزلنمەین بیرکیردیر

۱۱۳. بیلگیلی آدام هر ایشین زامانینی بیلَر

۱۱۴. ایشینی بیله ـ بیله ائدەر و سونرا پشیمان اولماز

۱۱۵. هر ایشدە بیلگیسیزین ایشی پشیمانلیغدیر

۱۱۶. واونا بوندان باشقا قسمت یوخدور

۱۱۷. بیلگیلی آنجاق لازیم اولان سوزو سویلر

۱۱۸. لازیم اولمایان سوزەگوز یوموب گیزلر

۱۱۹. بیلگیسیز نەسویلەسە آنلاماداان سویلر

۱۲۰. اونون اوز دیلی اوز باشینی یئەیَر

۱۲۱. یارادان الله بیلگی‌ایله بیلینیر

۱۲۲. بیلگیسیزلیکدن خییرگورەن وارمی؟

۱۲۳. بیلگیسیزلیکدن نه قدەر خلایق اوزاَلی ایله سهولر ائدیب

۱۲۴. تانرینین دئدیيی بودور

۱۲۵. بیلگیلینین سوزو اویود، نصیحت و ادب‌دیر

۱۲۶. بیلگیلینی عجم‌ده، عرب‌ده سئوه‌ر

۱۲۷. بیلگی مالی اولمایان اوچون، توکنمز بیر خزانه‌دیر

۱۲۸. بیلگی نسب‌سیز اوچون پوزولماز نسب‌دیر

## دیلین قورونماسی حقینده (۷)

۱۲۹. ائشید، بیلگی نه دئییر

۱۳۰. ادبلرین باشی، دیلی گوزله‌مکدیر

۱۳۱. دیلینی قورو تاکی دیشین سینماسین

۱۳۲. (دیلین) اگر قوروماقدان کناردا قالارسا دیشینی سیندیرار

۱۳۳. دوشونرک، دانیشان آدامین سوزو، سوزون اعلاسی‌دیر

۱۳۴. چوخ اوزون گئدن دیل قارشیدا قویلموش دوشمن‌دیر

۱۳۵. سوزونو باشی - بوش بوراخما، دیلینی محکم توت

۱۳۶. دیلین باشی - بوشلوغو بیرگون باشا بلا اولار

۱۳۷. بوش - بو غازلی آدام آغیللی اولورمو؟

۱۳۸. بو بوش - بوغازلیق و آغیز زَوزَه‌کلییی چوخ باشلاری یئدی

۱۳۹. انسانا دیل یاراسی وورما، بیل‌کی اوخ یاراسی ساغالار

۱۴۰. دیلین وردوغو یارا ساغالماز

۱۴۱. سفیه آدامین دیلی اوز باشینا دوشمن‌دیر

۱۴۲. بیر چوخ آداملارین قانی دیللری اوزوندن توکولور



۱۴۳. چوخ دانیشانلار آراسیندا پشیمان اولانلار چوخدور

۱۴۴. دیلینی قورویوب ساخلایانلاردان پشیمان اولانلار وارمی؟

۱۴۵. انسانا نه‌گلیرسه دیلیندن گلیر

۱۴۶. دیلی اوجوندن کیمی پیس و کیمی یاخشی اولور

۱۴۷. ائشید و بوسوزه اینانکی، وجود هر صاباح

۱۴۸. قالخیب ایپلره‌ک، دیله یالواریر

۱۴۹. اگر بیر انساندا (بو) ایکی شئی بیرلَشیرسه

۱۵۰. او انسانا مروت یولو قاپانیر (باغلانیر)

۱۵۱. (بونلاردان) بیری لازیم‌سیز یئره فضوللوقدور

۱۵۲. ایکینجی سی‌ایسه یالان سویله مکدیر

۱۵۳. یالان سویله‌ین آدامدان اوزاق‌دور، قاچ

۱۵۴. سن عمرونو دوغرولوق ایله کئچیر

۱۵۵. آغزین و دیلین زینتی دوغرو سوزدور

۱۵۶. سوزو دوغرو سویله دیلینی گوزله

۱۵۷. دیلینی محکم ساخلا، گَل، سوزونو قیسا ائت

۱۵۸. دیل قورونورسا اوزونو قورونموش حساب ائت

۱۵۹. رسول: ـ انسانی آتشه آتان اونون دیلیدیر، دئمیش؛

۱۶۰. دیلینی محکم ساخلا، اوزونو اوددان قورو

۱۶۱. دوغرو سوز "بال" و یالان سوز "سوغان" کیمی‌دیر

۱۶۲. سوغان یئییب آغزینی آجیلاندیرما، بال یئه

۱۶۳. یالان سوز ناخوشلوق و دوغروسوز شفاکیمی‌دیر

۱۶۴. بو سوز قدیمدن دئیلمیش بیر مثلدیر

۱۶۵. دوغرو اول و دوغرولوق ائت قوی آدین دوغرویا چیخسین

۱۶۶. انسانلارسنی دوغرو اولاراق بیلسینلر

۱۶۷. آیریلیلیی بوراخ دوغرولوق پالتاری گئی

۱۶۸. پالتارلارین اَن یاخشیسی دوغرولوق پالتاریدیر

۱۶۹. سیررینی یاخچی ساخلاکیمسه بیلمه‌سین

۱۷۰. سوزوندن اوزونه پشیمانلیق گلمه‌سین

۱۷۱. بوتون گیزلی ایشلرین آشکار اولوب

۱۷۲. گوره‌ن و دویان سنه گولمه‌سین

۱۷۳. اَن یاخین ایناندیغین یولداشینا، چوخ گووه‌نمه (اعتماد)

## دونیانین تغییری حقینده (۸)

۱۷۴. آرخاداشیم دئییب سیررینی سویله‌مه

۱۷۵. سیررین اوزونده دوزوب و ساخلانیلمازسا

۱۷۶. آرخاداشیندا قالارمی؟ بونو یاخچی‌دوشون

۱۷۷. بو دونیا، قونوب ـکوچمک اوچون، بیرکروانسرادیر

۱۷۸. (انسان) انسان کروانسرایاکئچمک اوچون ائنیر

۱۷۹. کروانین باشی قالخمیش و یولو توتاراق اوزاخلاشمیشدیر

۱۸۰. باشی قالخمیش اولان کروان (داها) نه قدەر گئجیکه‌بیلر

۱۸۱. بو دونیانین آرخاسینجا قاشماق نه اوچون

۱۸۲. خسیس مالدان اوتورو (قاچار) سن اوزونی اَله آل

۱۸۳. مالا بوقدەر کونول باغلاماق نه اوچون

۱۸۴. بومال صبح گلیرسه، آخشام یئنه گئدر

۱۸۵. مال حرصینی کونولوندن چیخارد

۱۸۶. گیئیم و قارین توخلوغو ایله کیفایت ائت

۱۸۷. فقیرلیق، یالنیز آغیلین یوخلوغودور

۱۸۸. مال یوخلوغونا فقیرلیق دئمه

۱۸۹. بو دونیا مالیندان یئیه‌جک وگئیه‌جک (قدەرینی) آل.

۱۹۰. آرتیق ایسته‌مه، (آرتیغی) یوک اولاجاق وبالدیر

۱۹۱. رسول دونیایا، مزرعه‌دیر دئمیش

۱۹۲. مزرعه‌ده چالیش، ایشله یاخچیلیق اَک

۱۹۳. بو دونیا لذتی، باقی دئیلدیر

۱۹۴. ذوق مدتی یئل کئچن‌کیمی کئچر

۱۹۵. جوانلار قوجالیر و تازەلر کهنه‌لیر

۱۹۶. قووتلی، چوکور، قووتی گئدیر

۱۹۷. دونیا مالی بوگون‌وار، صاباح یوخ اولور

۱۹۸. منیم دئدییم مال باشقالارینین قسمتی‌دیر

۱۹۹. هر دولان آزالیر، هر تام اولان اسکیلیر

۲۰۰. هر آوادانلیق سونوندا خراب اولور

۲۰۱. خلقینه دارگلن‌نه قده‌ر یئر واردی

۲۰۲. خلقی گئتدی (اونلارین) بوش یئری قالدی

۲۰۳. نه قده‌ر عالیم، نئچه فیلوسوف واردی

۲۰۴. بوگون اونلارهانی، مین‌ده بیری (آرتیق یوخ)

۲۰۵. دونیاگولومسونور، آلنین قیریشدیریب قاشین چاتار

۲۰۶. بیر اَلینده بال، بیر اَلینده زهر ساخلار

۲۰۷. اول بالدان دادیریب آغیزی دادلاندیریر

۲۰۸. سونرا بیرآزادان قدحه زهر قاتیب، سویلر ـ

۲۰۹. اگر دادینی داددین ایسه، آجیبا حاضیر اول

۲۱۰. راحتلیق، بیر ـ بیر گلیرسه، زحمت اون ـ اون گلیر

۲۱۱. ای غم قاریشمامیش سرور دویان

۲۱۲. بو دونیا نه‌زامان اومید یئری اولموشدور؟

۲۱۳. بو دونیا ایلانکیمی‌دیر؛ ایلانی اوخلاماق لازمدیر

۲۱۴. او اَل ایله یوخلانیرسا یوموشاقدیر، اما ایچی دولو زهردیر

۲۱۵. ایلان یوموشاق اولدوغو حالدا پیسلیک ائده‌ر

۲۱۶. (اوندان) اوزاق دورمالی و یوموشاق دئییب، یانیلیب توتماماق گره‌ک

۲۱۷. بو دونیانین ائشیکدن گورونوشو گوزلدیر



۲۱۸. اما ایچینده مینلرجه ناخوشلوق وار

## سخاوتمندلیین مدحی و خسیسلیین بدلیغی حقینده (۹)

## تواضع و تکُبر حقینده (۱۰)

۲۴۱. خسیس حرام ایله چوخ قیزیل وگوموش توپلادی

۲۴۲. و بال یوکلەدی اوزونه، اوستەلیک بیرده سویوش آلدی گئتدی

۲۴۳. مالی باشقالاری آراسیندا بولوندو

۲۴۴. خسیس یالنیز پشیمانلیقدان پای آلدی

۲۴۵. ای مال صاحیبی یاخشی و سخاوتمند آدام

۲۴۶. تانری سنه وئردی ایسه، سن ده وئر

۲۴۷. یئریلن و سویولن کیمسه، توپلاییب وئرمەیندیر

۲۴۸. توپلادیغینی وئررسن، توپلایابیلدیغین قدەر توپلا

۲۴۹. طبیعتلرین اَن یاخشی‌سی و عادتلرین عیب اولمایانی

۲۵۰. جوانمردلیکدیر، بیل کی خسیسلیک بونلارین اَن چیرکینیدیر

۲۵۱. اَللرین اَن سئویملیسی وئرن اَل دیر

۲۵۲. آلیبدا وئرمەین اَل اَللرین سئویلمەیه نیدی

۲۵۳. خسیسلیک درمانسیز بیر خسته لیکدیر

۲۵۴. خسیسین اَلی چوخ برک اولار

۲۵۵. آج گوزلو خسیسین گوزوتوپلاماقلا دویماز

۲۵۶. مالینین قولودور ومالی اونا حاکیمدیر



۲۵۷. خالقین آراسیندا اَن یاخشی آدام جوانمرددیر

۲۵۸. جوانمردلیک، شرف، اقبال و جمالی آرتیرار

۲۵۹. انسانلار آراسیندا سئویلمک ایسترسن

۲۶۰. جوانمرد اول، جوانمرد لیک سنی سئودیره‌ر

۲۶۱. خسیس آلچاق، خائین و مالینین نوکری‌دیر

۲۶۲. توپلار (آنجاق) یئمز، ایچمز و اونو برک توتار

۲۶۳. ساغلیغیندا دوستونا حتی دوزدا دادیرماز ـ

۲۶۴. اؤلر، مالی قالار و آخیردا دوشمنی یئیَر

۲۶۵. سنه بیر لازیم اولان سوزوم وار

۲۶۶. منه قولاق وئر اونی سنه سویله‌مک ایسترم

۲۶۷. او (سوز) بودور: تکبری یئره آت

۲۶۸. تواضعی سیخ توت و اونا گوجله ساریل

۲۶۹. تکبر بوتون دیللرده یئریلن بیرخوی دور

۲۷۰. خویلارین یاخچیسی آلچاق کونوللولوکدور

۲۷۱. اولولوق تاسلایان و منیم دئین کیمسه‌لری

۲۷۲. نه الله و نه ده قول سئوه‌ر

۲۷۳. دونیا مالینی قازانانلارین هامیسی

۲۷۴. اونو یئمه‌دن گئتدی، حاللارینی گورون

۲۷۵. قادینی باشقابیر کیشی ایله قالیب



۲۷۶. اونون یانیندا یاتاراق وجودوندان فایده ائدیر

۲۷۷. تکُبر پالتارینی گئیمیسنسه، در حال چیخار

۲۷۸. خالقا قارشی سویوش دئدین در حال دیلینی دوزه‌لد

۲۷۹. مؤمینلیک نشانی تواضع‌دیر

۲۸۰. اگر مؤمن‌سن متواضع اول

۲۸۱. تواضع گوستره‌نی تانری اوجالدار

۲۸۲. تکبرلی اولانی تانری آشاغا سالار

۲۸۳. اولولوق تاسلاما، چکیل، اولو یالنیز تانریدیر

۲۸۴. او «اولولوق منیمدیر، سیز اوزه‌ریزه آلماین» دئدی

۲۸۵. اولولوق تاسلامایین و اولولوغا دوغرو آل اوزاتمایین

۲۸۶. مالدان دولای ایسه

۲۸۷. مالین فایداسی نه دیرکی، اوزون چیلپاق گئدرسن

۲۸۸. سبد و صاندیغین بورادا، گئریده قالار

۲۸۹. اگر تکبر صاحیبی: «من اصیلم» - دئیرسه

۲۹۰. من اونون کسگین جوابینی در حال وئره‌رم

۲۹۱. انسانلار. آتا، آنابیر قارداشدیرلار

۲۹۲. یاخچی آراشدیریلارسا آرالارینددا بیرفرق یوخدور

## حریصلیک حقینده (۱۱)

۲۹۳. گل، یئنه، اویودومو ائشیدو آرتیق عمل بسلمه



۲۹۴. عملین آلتیندا عجل ساخلانیر

۲۹۵. ای دوست، عمل دئدییم، اوزون دوشونمکدیر

۲۹۶. دوشونجه‌نی اوزون ائتمه داها چوخ عمل ائت

۲۹۷. دئییرسن کی، گئییم، یئییم، و ایچمک لازمدیر

۲۹۸. چوخ مال، چوخ قول، چوخ جاریه لازمدیر

۲۹۹. اگر عمرلوک مال ییغدین ایسه

۳۰۰. اونوتماکی، بورکو گئیه‌جک باش لازمدیر

۳۰۱. حریصلیک انسان اوچون پیس بیر خصوصیت‌دیر

۳۰۲. حریصلیین سونوغم، پشیمانلیق و حسرت دیر

۳۰۳. زنگینلیک و فقیرلیک، تانریدان قسمتدیر

۳۰۴. حریصلیک انسان اوچون، ساده‌جه بوش بیر زحمتدیر

۳۰۵. حریص دونیا مالینی توپلاماقلا دویماز

۳۰۶. صاحیبی قوجالدیغی حالدا، حریصلیک قوجالماز

۳۰۷. حریص آدام حریصلیین بیلدییی زامان اولور

۳۰۸. تورپاغین آلتینا گیرندن سونرا اونو بوراخیر

۳۰۹. حریص مال توپلاماقدان یورولماق و اوسانماق بیلمز

۳۱۰. حریصلیک آزارینین درمانینی بیلن واردیرمی؟

۳۱۱. بیر سوز واردیر: اگر بیر شخصه ایکی وادی دولوسو دینار وئریلرسه

۳۱۲. او (حتماًکی) اوچ وادی ایستر



۳۱۳. ای حرص صاحیبی، حریصلیین نه لزومی وار؟

۳۱۴. منه سویله دئه، بو نه ایشه یارار

## کرم، حلم و دیگر یاخچیلیقلار حقینده (۱۲)

۳۱۵. ایسترداری، ایسترگئنیش اولسون، رزقین آلنینا یازیلمیشدیر

۳۱۶. حریصلیک بونی یاخشی ائده بیلرمی؟

۳۱۷. اصلی گوزل اولان آدامین خویودا گوزل اولار

۳۱۸. گوزل خویلو آداما اوره‌ک وورغون اولار

۳۱۹. آدامدان آداما فرق چوخدور

۳۲۰. لاکن ظاهرده هامیسنین بورکو واردی

۳۲۱. (انسانلارین) بوتون داورانیش و حرکتلرینی یاخشیجا منیمسه

۳۲۲. کرم، کیمده ایسه اونا انسان دئه

۳۲۳. کرم سیز انسان میوه‌سیز آغاج کیمی‌دیر

۳۲۴. میوه سیز آغاجی کس و اود دا یاندیر

۳۲۵. مسلمانا قارشی شفقتلی و مرحمتلی اول

۳۲۶. اوزون اوچون ایسته‌دیکلرینی، مسلمان اوچون ده ایسته

۳۲۷. سنه جفا ائدنه وفا ایله مقابله ائت

۳۲۸. نه قدەر یویولورسا، یویولسون، قان، قان ایله تمیزلنمز

۳۲۹. یئمه‌یه یارار یئمک (وارسا) آج انسانا یئدیرد

۳۳۰. گئیمه‌یه یارار پالتار، اولورسا چیلپاغا گئیدیر

۳۳۱. باشقاسینا عذاب و اذیت ائتمه

۳۳۲. اگر باشقاسی سنه اذیت ائدرسه تحمل ائت

۳۳۳. پیسلیک ائدن آداما سن یاخچیلیق ائت

۳۳۴. کرمین باشی بودور. بونو یاخچی بیل

۳۳۵. اگر بیر کیمسه‌دن سنه یاخچیلیق گلیرسه

۳۳۶. او آدامی مدح ائت و اونون تعریفینی ایسته

۳۳۷. قصورلو گناهینی باغیشلا

۳۳۸. دوشمنلیک کوکونو قاز اورتادان چیخار

۳۳۹. حدّت و دوشمنلیک آلووی اوجالارسا، چوخلاشار

۳۴۰. یوموشاخلیق سویونو سَپ و آتشی سوندور

۳۴۱. کرم بیر بینادیر و حلم اونون پئی‌دیر

۳۴۲. یاخود حلم بیر باغچایا بنزه‌ر وکرم او باغچانین قرمزی گولودور

۳۴۳. ایبلنه دستک وئروکسیلنه حامی اول

۳۴۴. بئله بیر آداما آزاد انسان قول اولار

۳۴۵. ای دوست، بویوکلرین حقینی یئرینه یئتیر

۳۴۶. لازیم سیز آلای و مجادله‌دن اَل چک

۳۴۷. بو آلای بویوکلری سنه قارشی عصبی لشدیره‌ر

۳۴۸. کیچیکلری ده سندن کوسدوره‌ر، بونو حقیقت بیل

۳۴۹. بلایه دوچار اولموشسان، سئوینجی گوزله، صبر ائت



۳۵۰. بلانی و عذابی یوخ ائتمه‌یه تلاش ائت و سئوینجی صبرایله گوزله

۳۵۱. محنتین آجیلاری کئچر، نوبه‌سی سووشوب گئدر

۳۵۲. هرکس صبور اولار ثواب قازانار

۳۵۳. بویوکلوک قازانسان، اوزونو ایتیرمه

۳۵۴. اطلس گئیدیین زامان. بثرینی یادیندان چیخارما

۳۵۵. اوجالدیقجا رفتارینی یوموشالد

۳۵۶. بویوک و کیچیکلرله شیرین دیل ایله دانیش

۳۵۷. عجله ائتمه، سوزه فیکیرلش سونرا سویله

۳۵۸. سوزونو ساخلا، تاکی سونرا باشینی ساخلایاسان

۳۵۹. مین نفر دوستون اولسا، اونو چوخ گورمه

۳۶۰. بیر نفر دوشمنین اولسا، اونو آز گورمه

۳۶۱. انسان نه قده‌ر آغیللی اولارسادا، اوندان یانلیشلار باش وئره‌بیلیر

۳۶۲. (انسان) نه قده‌ر هنر صاحیبی اولارسادا، قصورلودا اولابیلیر

۳۶۳. بیر گناهدان اوتورو آداملارین باشینی کَسْسَن

۳۶۴. یاشاماق اوچون دونیادا آدام قالماز

۳۶۵. یاخچی حرکت ائت، قلبلره صاحیب اولاراق یاشا

۳۶۶. پیسلیکدن اوزونو یان ساخلا

۳۶۷. بیرایشی دوشون و اویره‌ن سونرا گور

۳۶۸. لازیم و غیر لازیم اولماسینی بیل سونرا گور

۳۶۹. هر ایشی گورمه‌دن اول اونو نظردن کئچیر

۳۷۰. او ایشین، باشینی و سونونو دوشون

۳۷۱. سئویندیریجی بیرایش اولاجاقسا اونو ائت

۳۷۲. اگر پشیمانلیق گتیره‌جک، آرتیق اوندان کئچ

۳۷۳. انسانلارا یاخچی‌لیق و پیسلیک آرزو ائتمک کئچمز

۳۷۴. یاخچی‌ایشین و پیس‌ایشین ده عوضی گئجیکمز

۳۷۵. ای پیسلیک ائدیب، یاخچی‌لیقدان باش قاچیران (کس)

۳۷۶. تیکاندان اوزوم دَرمک اولماز

۳۷۷. انسانین یولداشی یاخچی اولورسا، اوزوده یاخچی اولور

۳۷۸. انسان یولداشینین یاخچی اولماسیندان چوخ خئیرلر آپارا بیلَر

۳۷۹. پیسلرله اوتورما، صحبت ائتمه

۳۸۰. یوخساسنی پیس خاصیت ائدر

## زامانه‌نین یوزغونلوغو حقینده (۱۳)

۳۸۱. حقیقت هانی؛ دوستلوق مجازی دیر

۳۸۲. مینلر دوست دان بیر واقعی اولانی تاپیلماز

۳۸۳. بعضی انسانلار ظاهراً حقیقی دوست کیمی گورونورلرسه‌ده

۳۸۴. ایچریدن وفاسیزدیرلار. اونو بیل؛

۳۸۵. بوگون بودونیادا انسالیق کوتودور

۳۸۶. یازیق انسانلیق هانی، هارایا گئتدی



۳۸۷. وفا گولونون سویو چکیلیب، قایناقلاری قورودو

۳۸۸. جفا دولدو ـ داشدی دنیزدن داها انگین

۳۸۹. هانی، عهد و امانت، هانی یاخچیلیق

۳۹۰. سون گونلر خئیرلی ایشلرده آرادان گئتمکده‌دیر

۳۹۱. یاخچیلیغین باشی گئتدی، سونو دا گئده‌جکدیر

۳۹۲. کوتولویون باشی گلدی‌ایسه، سونو دا گله‌جکدیر

۳۹۳. دونیا دوشمنچیلیک، جفا و اذیتلرله دولودور

۳۹۴. هانی بیروفا، وارسا گوستر گوروم

۳۹۵. سن (اوزون) پوزوقسان، اونون اوچون دونیادا پوزوق

۳۹۶. نه اوچون بو دونیا دان شکایت ائدیرسن

۳۹۷. اسلام غریب ایدی، تکراراً غریب اولدو

۳۹۸. عبادت ـ ریا و عابد صُنعی اولدو

۳۹۹. خرابات محیطی آباد اولدو

۴۰۰. مسجد ایسه خراب و خلق بی‌نماز اولدو

۴۰۱. عالیم عملی و زاهد تقوانی بوراخدی

۴۰۲. عارف رقاص اولدو خوش‌گون سوردو

۴۰۳. بداعت دن منت‌دن انسان قالمادی

۴۰۴. اونون اوچون بو بداعت هرگون چوخالماقدادیر

۴۰۵. هانی امیری معروف، هانی یاخچی آدام

۴۰۶. یاخچی انسان دوراجاغی یئرین اوزی هارادادیر

۴۰۷. خالقینی بوراخیب، زامانینی یوخ ائدرسن

۴۰۸. زامانه‌نی یئرمه، انسانلارینی یئر (قینا)

۴۰۹. کیم ایکی اوزلودورسه (حالا) او اعتبارلی دیر

۴۱۰. اعتبارلی اولماق ایسترسن گئت ایکی اوزلو اول

۴۱۱. یول کیمین حاقی‌دیرسه اونون حاقی یوخ

۴۱۲. یول حاقی اولمایانین گئنیش یولو وار

۴۱۳. ای اخلاقسیز سئوینج ایله دولاش

۴۱۴. ایندی سنین زامانین دیر، ایسته دیینی ائت

۴۱۵. ایسته دییین‌کیمی فارغ و قایغسیز یاشا

۴۱۶. سنه هانکی یئرده و هانکی دیل ایله معنا تاپیرکیمسه‌لر

۴۱۷. اوتانماق غیب اولدو، آختارماقلا اییسی داها بیلینمز

۴۱۸. حلالی بیلن، هانی بئله وجودگورسنمز

۴۱۹. بوگون حلالین اوزو هارادادیر، هانی؟

۴۲۰. کیم حرامی یئیه‌نده، اونا حرام دئییر

۴۲۱. خلق مالی (بیت‌المال) اولان کیمسه‌یه توجه ائدیب

۴۲۲. هامیسی آزاد اولان نفسیلرینی قول ائدر

۴۲۳. مالی اولمویان گورونجه باشلارینی چئویریب

۴۲۴. گوزلرینی یوماراق گئچرلر

۴۲۵. ای مالا حریص اولان آدام، واقعاً بیل‌کی بومال

۴۲۶. بوگون قایغی و دوشونجه، سحر ایسه یوک و وبالدیر

۴۲۷. مالین حرامدیرسه، سونون عذاب

۴۲۸. اگر مالین حلال دیر اونوندا حسابی سوروشولار

۴۲۹. نفسین مالا قارشی نه‌دن بو قده‌ر حریص دیر

۴۳۰. اوره‌یینده غمین و دیلینده سوزون (همیشه) اودور

۴۳۱. اوزون گئده‌رسن، بومالین دوشمنین اولا راق قالار

۴۳۲. کفن اولان بئزیده اوتاندیقلاری اوچون وئریرلر

۴۳۳. سنین مالین او بیری طرفه گئچیردیین مالیدیر (اعمال ثواب)

۴۳۴. آلینده توتدوغون مال ایسه، سنین اوچون آنجاق حسرتدیر

۴۳۵. بوگون توپلاماق (مال) سنین اوچون دادلی دیر

۴۳۶. لاکن سحر بوراخیب گئتمک آجی اولور

۴۳۷. بو دونیانین دادی قاریشیقدیر

۴۳۸. اذیتی چوخ و لذتی آزادیر

۴۳۹. بال هاردادیرسا، آریسی‌عینی‌شئ‌دیر

۴۴۰. بال دان قاباق آرینین زهری لذتلیدیر

۴۴۱. دونیا هنر صاحیبی اوچون داها چوخ وفاسیزدیر

۴۴۲. هنر سیزه بورادا (دونیا) جفا چوخ آزدیر

۴۴۳. هنر ایله طالعین بیر اورتایا گلمه‌سی (ایسه)

۴۴۴. بیلینمز نوادیردن داها نادیردیر

۴۴۵. هنر صاحیبی دونیایا قارشی‌نه (کیمی‌بیر) گناه ائتمیشدیر

۴۴۶. نه اوچون بو دونیا اونا آراسی کسیلمه‌دن اذیت چکدیریر

۴۴۷. خسیسلری یوکسلده‌رک، قیمتلیلری یئره وورور

۴۴۸. یوخسا بو نامقدس دونیا قوجالا‌یب می؟

۴۴۹. ای حکمونو دونیا اوزه‌رینده یوروَدَن

۴۵۰. اونو بعضاً نفرین ائدیب بعضاً تومارلایان

۴۵۱. هر اولان ایش قادر (تانری) حکمو ایله اولور

۴۵۲. انسان قارشیلاشدیغی زاد اونون امری ایله اولور

۴۵۳. دونیا؛ بو ملامت و سولوش نه اوچون؟

۴۵۴. قضاوقده‌ری یوروَدَن و (یئنیدن) دوزلدن تانری‌دیر

۴۵۵. آیاغا تیکان قده‌ر ایله باتار

۴۵۶. ایگیدی توزاغا دوشورن قده‌ردی

۴۵۷. باشاگلن هر ایش قده‌ردن گلیر

۴۵۸. آنلایشسیزلار اونو سبب‌دن بیلیرلر

۴۵۹. هاوادا اوچان قوشلار قده‌ر ایله

۴۶۰. هم کولا قونار، هم ده قفسه دوشر

۴۶۱. قاچانین (قاچماسی) مقدر دیرسه وورساندا قاچاجاق

۴۶۲. گوجلو یای (کمان) قورماقلا قده‌ر گئری دونمز

۴۶۳. سنه اضطراب و اونا خزانه وئرن تانریدیر

۴۶۴. ای مضطرب کیمسه، اضطرابدان شکایت ائتمه

## کیتاب صاحیبینین عذرو حقینده (۱۴)

۴۶۵.کیتابی مواعض شکیلینده یازدیم

۴۶۶. دیل اوخویورسا، بال یئمیش کیمی لذتی اولار

۴۶۷.کیم بوسوزو باشقالارینین سوزوایله مقایسه ائدرسه

۴۶۸. حقایقی، ساختکارلیق ایله مقایسه ائتمیش اولار

۴۶۹. آدیم ادیب احمد، سوزوم اَدب و نصیحتدیر

۴۷۰. جیسمیم گئده‌ر، سوزوم بورادا (دونیا) قالار

۴۷۱. باهارکئچر، پاییز گلَر عمر باشا چاتار

۴۷۲. بو باهار و پاییز عمرو سوناچاتدیرار

۴۷۳. اونون اوچون بوناگوره بوتورکجه کیتابی چیخارددیم

۴۷۴. ایستر بونو کافی بیل، ایستر اونا آرتیر

۴۷۵. اگراوزوم گئدیرم (دونیادا) سوزوم قالسین دئدیم

۴۷۶. بو (کیتابی) نادیده و ظریف سوزلر ایله یازدیم

۴۷۷. اونون اوچون بوگوزل و سوزولموش کیتاب دیر

۴۷۸. (سوزلری) سئچیب یازدیم و اوزولموش سوزلری آتدیم

۴۷۹. هزل چوخ، لاکن نادر و سوزولموش (سوز) آز اولور

۴۸۰.گئیمه‌لی اطلس نادر اولور. ده‌یرسیز اولان بئزدیر

۴۸۱. ای مندن سونرا گلن

۴۸۲. بونو (کیتابی) اوخودوقجا منی دوعالاریندان قاچیرما (سنه هدیه)

۴۸۳. سن ده منه دوعا هدیه ائت

۴۸۴. بو نادر و نادیده سوزلریمی منده سنه هدیه ائتدیم

## علاوه‌لر

### ادیب احمد حقینده

### ۱ـ(یازاری بیلینمه‌ین)

۴۸۵. ادیبین آنادان اولما گوزی گورمَزایدی (کور)

۴۸۶. سوزو بو ۱۴ باب ایچینده قورتاردی

۴۸۷. اوزه‌رینده قیزیل یوکلو بیرفیل اولسا

۴۸۸. اَن آزی، بو سوز اونا اوخشادیلا بیلر

### ادیب احمد حقینده

### ۲ـ(امیر سیف‌الدین)

۴۸۹. ادیبلر، ادیبی، فاضیللر باشی

۴۹۰. آغیل ایله گوهردن سوز سویله‌میش، بوسوزلرین باشی دیر

۴۹۱. تانری بو ساعت‌ده اونا رحمت ائتسین

۴۹۲. سحر گلن زامان، صاباحلار یاوری اولسون

### ادیب احمد حقینده

### ۳ـ(بویوک امیرارسلان خواجه تارخان)

۴۹۳. ادیبین یئرینین آدی، یوکنکدیر. (یوگُناک)

۴۹۴. قلبی آچان صفالی بیر خوش یئردیر

۴۹۵. آتاسینین آدی محمود یوکناکی دیر

۴۹۶. ادیب محمودون اوغلودور، بوندا هئچ شوبهه یوخدور

۴۹۷.کیتابینین آدی عتبة الحقایق دیر

۴۹۸. و بو عبارت عرب اصولینه گوره دیر

۴۹۹. اثرین بوتونو کاشغری دیلی ایله دیر (کاشغری تورکجه‌سی)

۵۰۰. ادیب بو اوزکونول ایسته‌ئی ایله سویله‌میشدیر

۵۰۱. کاشغر دیلینی بیلن هرکس

۵۰۲. ادیبین نه سویله دیینی آنلار

۵۰۳. انسان دیلی بیلرسه معناسینی دابیلر

۵۰۴. اوزو بیلمه دیینه، بیلیرم دئمه‌سی عیب دیر

۵۰۵. بیر چوخ کیمسه‌لری گوروروک کی ادیبین سوزونو

۵۰۶. آنلامادیقلاری اوچون اوزولرینی اوزورلر

۵۰۷. (بیر چوخلاریدا) یانلیش معنا و ئرمک صورتی ایله

۵۰۸. خالق آراسیندا اوتاینلاجاق وضعیته گتیریرلر

۵۰۹. بوناگوره کیتابی یازدیق

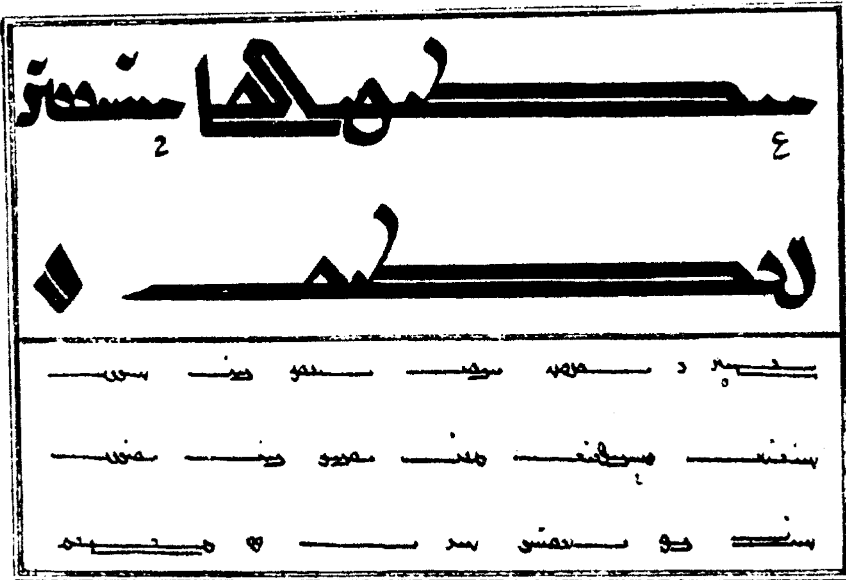
۵۱۰. ایستر قبول ائت، ایستر یاخشی سایما

۵۱۱. ادیبین سوزونو کیم اویره‌نیب توتارسا (عمل ائدر)

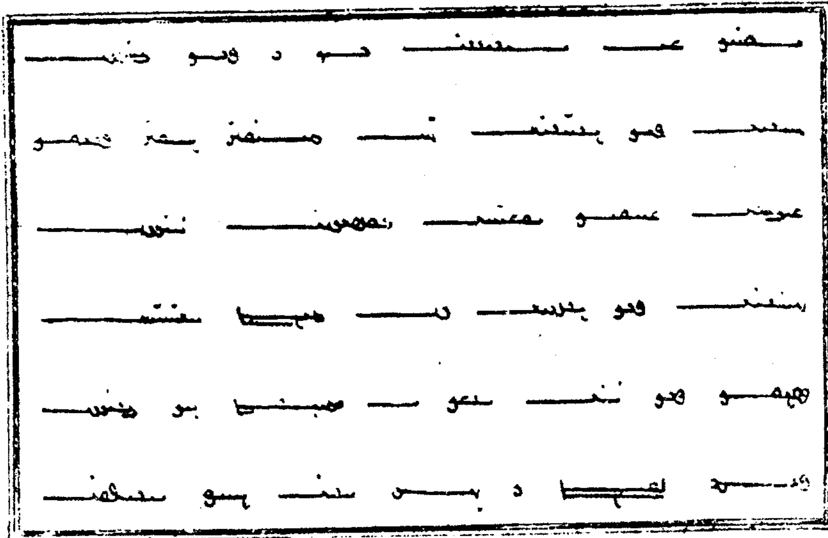
۵۱۲. *خالق آراسیندا اوز اعتبارینی اوجالدار*

**سون**

II



A 2 1 — 3



A 3 4 — 8

III

A 4 9 — 14

عَلَيهِ السَّلم

A 5 15 — 20

بسم الله الرحمن الرحيم

١ سینکا من ایوتو حمد اوکوش

٢ یتینک و کمتنک دین اوکاد من اوکا

٣ ثنا مو ایوغای یتزا بو تیسلیم

٤ اوناد جا آیا یین یاری بیز منکا

٥ یتینک باد لیغینک غه تنوغ لوق بیرود

٦ خوناث جانوده اوجقان یولور کانی نسا

٧ یتینک بار لیغینک غه ولیاک اوقا غان

٨ منکا لر ولیک ایزره ننک بیر یولور

ففي كل شيء له آية تدل على انه واحد

٩ یوق اژدیم یَراتا تینک یَنا یوق قیلیب

١٠ آیلینچ / یار قیلور پسَن مُوقیر مَن مونکا

١١ آیا شک یولی ده پیلیک لی اوتون

١٢ کیلک اوت یتین اوزونک یول اولوم دین اونکا

١٣ یراتی اوغانیم تو تونک کوندو زونک

١٤ اوتوب بیر بیری کا یوردور اونک پیونکا

١٥ تونا تور تو تونک نی لو تونک لیشا ریب

١٦ تو تونک یتیا ریب یار یرو تور تندا

كما قال الله تعالى يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من الحي

١٧ اولوک تین تیریک هم تیریک تین ازلوک

١٨ جیقارور کوراده پسن مولی کاش / الکا

١٩ بو قدرت ايديسى الغ ابير بيات

٢٠ اوكوش لر لى تير كور كاك اپسان انكا

## في نعت النبي عليه السلام

٢١ ايتيت ايمدى قاج بيت حبيب فضل دين

٢٢ اوقوش تهوش يبى يتيتب سوزوم لى انكا

٢٣ اول اول خلق ده بيلكى بركيتى قوشلوغ

٢٤ توزات ايش ده يوق بيل انكا توش تنكا

٢٥ رسول لر اورونك يوز اول اول يوز زا كوز

٢٦ يا انلرا قيزيل تنك بو اينكا رنكا

٢٧ اينيك مدح بيرله تابيزه بو ضمم

٢٨ اينيك يادى بيرله تنكادا شهد انكا

۲۹ تُو کُون تیکلیپو مینْدِنْ دُرُودْ دِن یارِیل

۳۰ اِیلِیک تُوتْ تا جِیمْ غه اِیکیرپیا مونکا

## فی مدح الصحابة الاربعة رضوان الله علیهم اجمعین

۳۱ پیما تُورْتْ ایشینْکا ایدُورْ مَنْ پیلامْ

۳۲ اُولَرْ دِینْ اُوپیا مَناقْ قجان اَوَّلْ مَنْکا

۳۳ صادِقْ بیرلَه فارُوقْ اُوجُونْجْ اُزْمی الوریش

۳۴ عَلی تُوزْ تیلیغ اول ایرِکْ پیشیکْ تُونْکا

۳۵ اِلٰهی کیجُورْکانْ اِیدِیمْ پینْ کیجُورْ

۳۶-۳۷

۳۸ نیچه ما خطالیق قول ادیشم سنکا

۳۹ مَنْکا بُولْپا فَضْلینْکْ قُوتُولْدی اُوزُومْ

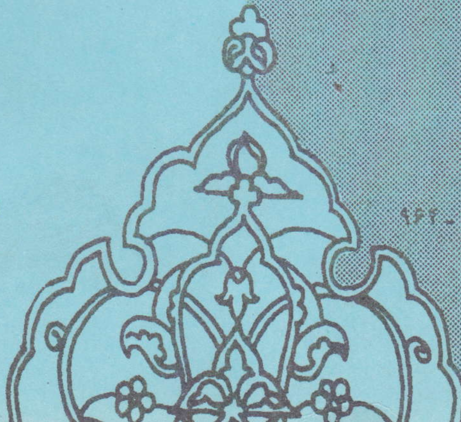
۴۰ اگر بُولْپا عَدْلینْکْ قَیْتیغْ لیقْ مَنْکا



گنجینهٔ ادبیات ایران - اعم از فارسی و ترکی با پشتوانه‌ای هزار ساله جزو خزائن معنوی بشریت به شمار می‌اید. میراث و مرده ریگ پربار و گرانقدر ادب آذربایجان در روزگاران ستمشاهی به دسیسه نژاد پرستان و به اشاره فروماسونرهای صهیونیست، از جبهه‌های گوناگون مورد تهمت و افترا، نفی و طرد قرار می‌گرفت که باعث قطع رابطه مردم آذربایجان با فرهنگ هزار ساله خویش گردید. حقیقتاً دردیست گران که هنوز تحصیل کردگان ما با همه دلبستگی‌ها به زبان مادریشان از میراث فرهنگی خویش بی خبرند.

ادبیات ترکی ایران با سابقه هزار ساله‌اش تلاشی مخلصانه درگسترش معارف قرآنی و مفاهیم اسلامی داشته است و افسوس و صد افسوس که اینهمه آثار فلسفی - ادبی با بی اعتنایی روبرو می‌گردد. حال در سایه انقلاب اسلامی و شکوفائی فرهنگ ایرانی امیدواریم با ارائه خلاصه‌های از آثار غنی ترکی که در واقع قطره‌ای از دریا به شمار می‌آیند دین خود را به فرهنگ اسلامی ترکی ایرانی ادا کرده باشیم. امید آنکه این سلسله آثار کلاسیک بتواند تا حدودی نیاز دانشجویان و طالبان ادب آذربایجان را مرتفع سازد

قیمت: ۵۰۰۰ ریال



ISBN 964 - 91486 - 5 - 0

شابک: ۰ - ۵ - ۹۱۴۸۶ - ۹۶۴